

طرح ثبت و تملک کتب و اسناد خطی نادر، راه است یا بیراهه!

* افکاری: بنام خدا، همانطور که دوستان کتاب ماه مستحضرند بحث نسخه‌های خطی و مسایل مربوط به آن یکی از موضوعاتی است که در رده کلیات جای دارد و همواره سعی بر این بوده که مباحث مربوط به آن مطرح شود. مطالب مربوط به حوزه نسخ خطی گسترده‌تری بسیاری دارد. از فهرست نویسی و روشهای آن، کتابشناسی و نسخه‌شناسی گرفته تا مقوله تصحیح و چاپ و خرید و فروش و گردآوری و تقدیم نسخ خطی امیدواریم که در جلسات مختلف بحث و گفت‌وگو شود و با حضور کارشناسان و صاحب‌نظران درباره تمامی این موضوعات به نتایج عملی دست پیدا کنیم و نتایج راهکارهای مناسب اجرایی را در این حوزه به کار بگیریم. بحثی را که امروز در خدمتتان آغاز می‌کنیم نقد و بررسی طرح تملک کتب و اسناد خطی نادر است. این طرح چندی پیش به پیشنهاد کتابخانه ملی مطرح و توسط برخی از نمایندگان محترم در کمیسیون فرهنگی مجلس ارائه شد و با عکس‌العملها و نظرات مختلفی روبرو شد که بعضی از آنها در مطبوعات کشور چاپ و منتشر شدند. نظر به اهمیت این موضوع و همچنین طرح پیشنهادی و انعکاس نظر کارشناسی مخالفان و موافقان طرح، پیشنهاد شد که در این جلسه درباره آن گفت‌وگو شود تا بستر مناسبی برای بیان نظرات مختلف مخالف و موافق باشد و جنبه‌های مختلف آن بررسی شود. البته ما توقع آن را داشتیم که در خدمت دوستان بیشتری باشیم. متأسفانه جناب آقای دکتر خسروی برای شرکت در مراسم ایفلا به آلمان تشریف بردند و از حضور دیگر دوستان مانند آقای شعر دوست نماینده محترم مجلس شورای اسلامی، در این جلسه بی بهره ماندیم که امیدواریم با دوستان حاضر در جلسه بتوانیم بحث خوبی را پیش ببریم. شش سرفصل برای بحث در این موضوع خدمت دوستان قبلاً تقدیم شده که سعی می‌کنیم در این جلسه به تمامی آنها پردازیم و نقاط قوت و ضعف آنها را بررسی کنیم و به نقد بکشیم. قبل از شروع جلسه فکر می‌کنم بهتر است یک بار

شرکت کنندگان:

۱. سرکار خانم فریبا افکاری - دبیر میزگرد
۲. آقای سیدعلی آل داود - محقق، نویسنده و حقوق‌دان
۳. آقای سیدعبدالله انوار - استاد کتابشناسی و نسخه‌شناسی
۴. آقای نادر مطلبی کاشانی - سردبیر نشریه "نامه بهارستان"
۵. استاد احمد منزوی - استاد کتابشناسی و نسخه‌شناسی
۶. آقای محمد اسفندیاری - نویسنده و محقق و کتاب‌شناس
۷. آقای محسن جعفری مذهب - مسئول کمیته خرید نسخ خطی کتابخانه ملی ایران
۸. آقای غلامرضا امیرخانی - کارشناس کتابخانه ملی ایران
۹. آقای دکتر توفیق هاشم پورسیحانی - استاد دانشگاه و پژوهشگر نسخ خطی
۱۰. آقای عمادالدین شیخ‌الحکمایی - کارشناس کتیبه و اسناد دوران اسلامی مؤسسه باستانشناسی دانشگاه تهران
۱۱. آقای محمد سمیعی - سردبیر کتاب ماه کلیات
۱۲. آقای دکتر کیانوش کیانی - معاون اسناد ملی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران
۱۳. استاد عبدالحسین حائری - استاد کتابشناسی و نسخه‌شناسی

سرفصلهای این میزگرد

۱. بررسی پیشینه طرح در داخل و خارج از کشور
۲. تعریف و تبیین مصادیق کتب و اسناد خطی نادر
۳. ضرورت و اهداف ارائه طرح از سوی پیشنهاددهندگان
۴. بازتاب طرح در میان دست‌اندرکاران نسخ خطی کشور
۵. ابهامات و مشکلات طرح (جنبه‌های حقوقی، اجتماعی، فرهنگی و...)
۶. بررسی عواقب مثبت و منفی اجرای طرح



آقای امیرخانی که از موافقان طرح و پیشنهاد دهندگان آن در کتابخانه ملی بودند خواهش می‌کنم که در این مورد توضیح بفرمایند.

*** امیرخانی:** بهتر می‌بینم مقدمه‌ای را تحت دو نکته خدمت دوستان عرض کنم. شاید اگر بخواهم از این دو نکته صرف نظر کنم و دوستان این دو نکته را نپذیرند این طرح اصلاً هیچ موافقی ندارد. بحث اول چیزی است که خوشبختانه در این پیش‌نویسی که شما تهیه کرده‌اید یک واو جا افتاده بود که شما این واو را جایگزین کردید، اما متأسفانه در آن پارچه پشت سرتان باز دوباره این واو حذف شده یک تعداد از این دوستان هم در مطبوعات و جراید به همین ایراد گرفته بودند که اسناد خطی نادر یعنی چه؟ یعنی دقیقاً همان مطلبی که پشت سر شما هست که اینجا این ایراد برطرف شده و در طرح اولیه هم در واقع یک واو اینجا داشته که کتب و اسناد خطی و نادر. بحث دوم آن نیز اشتباهی است که در طرح اولیه نبوده و فکر می‌کنم به صورت اشتباه تایپی بوده؛ در ماده ۳ که یک چیز کاملاً منطقی و پیش پا افتاده‌ای است که احتیاج به بحث و بررسی ندارد وقتی ذکر می‌شود که در صورت توقیف دائم و کوتاه مدت قطعاً تحویل آن به کتابخانه ملی به صورت دائم یا کوتاه مدت یا موقت خواهد بود، یعنی اصلاً معنا ندارد یک چیزی

چهار مواد این طرح را قرائت کنم تا بیشتر با این طرح آشنا شوید.

ماده اول: تملک کتب و اسناد خطی و نادر بلامانع است و صاحبان این آثار می‌توانند آن را در داخل کشور خرید و فروش نمایند.

ماده دوم: لازم است این آثار در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به ثبت برسد و برای آنها شناسنامه تهیه شود.

ماده سوم: در صورت توقیف دائم یا کوتاه مدت این آثار و یا صادره بر اساس رأی محاکم صالحه آنان موظفند این آثار را به طور دائم به کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تحویل دهند.

ماده چهارم: آئین نامه لازم برای تعریف و ثبت آثار موضوع این قانون در مدت حداکثر سه ماه از سوی کتابخانه جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

در واقع طرح ثبت و تملک کتب و اسناد خطی نادر شامل چهار ماده است که از سوی کتابخانه ملی پیشنهاد شده است. اگر به سرفصلهایی که خدمتتان تقدیم شدند توجه بفرمائید باید از بحث اول که بررسی پیشینه طرح در داخل و خارج از کشور است شروع کنیم که آیا نمونه قبلی از این طرح در داخل کشور وجود داشته، و اگر نه در کشورهای دیگر چه نتایجی در بر داشته است. من در اینجا از جناب

توقیف کوتاه مدت شود، بعد دائم تحویل جایی بدهند. این واضح است و هیچ نیاز به استدلال و منطق هم ندارد. مورد اول که خوشبختانه در پیش نویس شما اصلاح شده است. در ماده سوم هم این مشکل است، فکر می‌کردم که دوستانی حداقل از مرکز پژوهش‌های مجلس اینجا هستند اما تشریف ندارند و این دوستان چندین جلسه نزد ما آمدند، بحث‌هایی صورت گرفت و ما تمام توضیحات را دادیم، اما نمی‌دانیم چرا اصلاً به این همه بحثی که شد در گزارششان هیچ اشاره‌ای نکردند. در مورد ماده ۳، به نظر می‌آید یک اشتباه تایپی بوده که یک کلمه‌ای از قلم افتاده است. در مورد ماده دوم نیز اشتباه، در واقع، به نظر گسترده‌تر است و در تنها جلسه‌ای که در کمیسیون فرهنگی در مجلس شورای اسلامی برگزار شد و من به نمایندگی از کتابخانه آنجا بودم، طرحی که ارائه شد، گفتیم که اصلاً خود ما به عنوان کتابخانه ملی با ماده دوم به این صورت موافق نیستیم. این قید لازم است و باید حذف شود و به صورت اختیار باشد که هر کسی میتواند آثارش را در کتابخانه ملی به ثبت برساند.

*** افکاری:** آقای امیرخانی اگر اجازه بفرمائید طبق سرفصل پیش برویم.

*** امیرخانی:** چون شما فرمودید موافق، عرض کردم این دو نکته اگر لحاظ نشود اصلاً این طرح موافقی ندارد. با این توضیح می‌توان مواد را طرح کرد، چه بسا ممکن است ایرادهای متعددی هم به این طرح وارد شود که در آن بحثی نیست. منتهی این دو نکته را مد نظر داشته باشید

امیرخانی:

پیشنهاد ما این بود که صاحبان آثار می‌توانند اینها را در کتابخانه‌های ملی به ثبت برسانند و بنام آنها شناسنامه تهیه شود. در این جا بحث زیاد است این که می‌توانند حالا چه خاصیتی دارد؟ خوب یکی هم نمی‌آورد که ثبت کند. ما راه حل‌های زیادی در این مورد داشتیم، یکی از پیشنهادات ما بحث بیمه بود



که دوستان، چه موافق و چه مخالف، روی این دو دیگر بحثی نکنند. در مورد پیشنهاد آن در داخل و خارج که فرمودید، به هر حال شرایط فرهنگی ما با کشوری مثل انگلیس فرق می‌کند. شما در کشوری مثل انگلیس قاعدتاً نسخه خطی را خریداری می‌کنید. اما در کشورهای دیگر مثل کشوری جهان سوم و کشور خود ما، ممنوعیت خروج این آثار تقریباً وجود دارد. در ایران هم یک سری موارد قانونی از قبل بوده است از جمله یک بند از اساسنامه کتابخانه ملی تثبیت مصوب مجلس شورای اسلامی در سال ۶۹ است که در بند ت ماده ۷ قانون اساسنامه کتابخانه ملی عین جمله به این صورت است که «ارائه طرحها جهت بسیج امکانات به منظور تهیه آمار و حفاظت کتب و اسناد و مدارک خطی و تایپی» که این در شرح وظایف کتابخانه ملی در قانون اساسنامه ذکر شده است، ضمن اینکه اگر استحضار داشته باشید در سال ۷۵ هم یک تشکیلاتی بنام انجمن مخطوطات با کمک سازمان مدارک فرهنگی تأسیس شد که خوب متأسفانه دولت مستعجل بود و در واقع

آنها هم به یک نوعی وظایف مشابهی در خصوص گردآوری اطلاعات نسخه‌های خطی داشتند که آن تشکیلات با تغییراتی که به وقوع پیوست هم منحل شد.

*** افکاری:** اشاره‌ای به پیشینه طرح در داخل کشور فرمودید، آیا قبلاً چنین طرحی در کتابخانه یا در جای دیگری مطرح شده بود یا شما استنادی به آن فرمودید یا خیر؟

*** امیرخانی:** طرحی به این صورت مطرح نشده بود اما از جمله طرحی که یک وظیفه را برعهده کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران قرار می‌داد و اگر اشتباه نکنم، مصوب سال ۶۲ بوده ولی به این صورت که طرحی در مجلس تصویب شده باشد، خیر به این صورت نبوده است.

*** افکاری:** در مورد طرح کتابخانه مرکزی دانشگاه لطفاً توضیح بیشتری بدهید.

*** امیرخانی:** تا جایی که یاد دارم، این طرح خصوصاً در سالهای اول انقلاب که بحث مصادره اموال، بیشتر مطرح بوده یک وظیفه‌ای را به عهده کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران گذاشته بود. حال شاید یکی از علت‌های آن این بود که کتابخانه ملی، یک سازمان تابع و زیر نظر وزارتخانه بوده آن هم یک چنین طرحی بود که من متأسفانه فکر کنم الان همراه خودم نیاوردم اما آن مطلب را دارم که در تبصره ۲ گفته شده که کتابخانه مرکزی موظف است در حفظ و نگهداری کتب خطی نایاب و کمیاب و نیز کتب چاپی با ارزش، طبق اصول فنی کتابداری، اقدامات لازم را معمول دارد همین طور در تبصره اول آن که ماده واحده‌اش کتابهایی که با نظر حاکم شرع به صورت شرعی و قانونی از افراد موسسات طبق مصوب شماره فلان گردآوری شده یا در دست گردآوری است، در اختیار کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به عنوان گنجینه شماره ۲ زیر نظر فرهنگ و آموزش عالی قرار می‌گیرد تا با این کتابها یک مرکز تحقیقاتی بوجود آید.

*** افکاری:** در واقع بحث گردآوری این منابع مطرح بوده است.

*** امیرخانی:** بله، دیگر مصادره‌ای ذکر شده کتابهایی که با نظر حاکم شرع و کتابهای شرعی و قانونی، همه آنها، خطی و چاپی را شامل می‌شود. در تبصره یک آن نیز گفته شده که کتابهای خطی در عرض سه ماه باید تحویل کتابخانه مرکزی گردد. تبصره یک تصریح دارد به کتابهای خطی و نادر.

*** افکاری:** با تشکر از شما، از استاد احمد منزوی که سالها در خارج از کشور به ویژه در شبه قاره هند و پاکستان زحمت تهیه فهرستهای نسخه‌های خطی را کشیده‌اند، سوال می‌کنم آیا شما که در این منطقه تجربه این کار را دارید تا کنون با چنین طرحی مواجه شده بودید؟ آیا نمونه مشابه چنین طرحی در خارج از کشور وجود داشته یا خیر، اگر بوده به چه شکلی ارائه شده است؟

*** منزوی:** آنها قانونی دارند که من قانون و مفاد آن را یاد ندارم ولی خروج کتابهای خطی مشکل بود. کتابهای خطی جزو آثار ملی آنهاست و حق خروج ندارد، اما برخی از کشورها کتابها را به قیمتهای گزافی می‌خرند و از راه سفارت و راه‌های دیگر آنها را رد می‌کنند و این کار مورد اعتراض فرهنگیان آنجا هم می‌باشد، نه اینکه ندانند، مردم می‌دانند و آشکار است که عربها از موقعی که صاحب چاههای نفت

شدند این کارها را می‌کنند. ولی این نگرانی بود که آیا مرکز تحقیقات زبان فارسی در پاکستان هم بعد از انقلاب که صورت قانونی به خود گرفت مصادره می‌شود یا نه؟ ما آنجا خیلی پافشاری کردیم که مرکز تحقیقات هم تابع یک قانونی است که ۱۹۵۰ تصویب شده و هر کتابی که در آنجا خریداری شود چه چاپی چه خطی یا اهدائی اینها همه ملک فرهنگ پاکستان است و حتی مرکز تحقیقات نمی‌تواند، آن را خارج کند هر چه بودجه می‌آید مال خرید برای حفظ کتابها می‌باشد. این به ثمر رسید یعنی اول مردم نگران بودند ولی بعداً نگرانی آنها رفع شد و الان در آنجا ما ۳۰۰۰۰ نسخه خطی داریم.

*** افکاری:** پس آن قانونی که فرمودید قانون ممنوعیت خروج نسخ خطی است؟

*** منزوی:** بله، ولی قانونی به این شکل وجود ندارد.

*** افکاری:** جناب آقای آل داود اگر شما هم نظری دارید بفرمائید؟
*** آل داود:** دو ماده‌ای که اشاره کردند، در قوانین سابق ایران وجود داشته و جزء طرح تملک کتب خطی و آثار نادرآمده، هیچ کدام از آنها انطباقی بر این طرح ندارد. اولاً واژه تملک، واژه سنگینی است، خیلی پر معنا و خیلی بار زیادی را بر اقتصاد و بر آن قانونی که تصویب خواهد شد حادث می‌کند. ماده اولی که راجع به قانون کتابخانه ملی بود یک چیز حاشیه‌ای بود که کتابخانه ملی موظف است که از آن نگهداری و حفاظت کند و ابداً صحبت از این نیست که توصیه کند کتابخانه ملی کتب و اسناد خطی افراد ثالث را تملک کند اصلاً ماده‌ای را که ایشان خواندند اشاره به آن متون نیست. آن قانونی هم که راجع به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تصویب شد و من خودم شاهد برخی از آن موارد اجرایی بودم به این صورت است که اموال کسانی که تحت مصادره دادگاه انقلاب قرار می‌گیرد اگر دارای نفایسی از جمله اسناد و کتب خطی یا کتب چاپی مشمول همه این موارد باشد و کسانی که به اصطلاح مصادره می‌کنند ممکن است از لحاظ کارشناسی صلاحیت نداشته باشند کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به عنوان یک کارشناس، اینها را نگهداری کند و از آنها، هم حفاظت کند و هم تحت مالکیت خویش درآورد. آن هم وقتی صورت خواهد گرفت که این اموال مصادره قطعی شود و طبق حکم دادگاه انقلاب یعنی موضوعیت آن تمام شود و مالک خاصی ندارد و طبعاً همه آن مراحل قانونی و دادگاهی که باید صورت بگیرد طبعاً صورت گرفته و حکم، قطعی شده و تأیید قطعی آن به دیوان عالی کشور رسیده و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به عنوان حافظ و نگهدار آنها را تحویل خواهد گرفت و همینطور خیلی از مواردی که من در جریان آن بودم. از جمله بسیاری از کتابها از بنیاد مستضعفان به کتابخانه منتقل شد و مطابق همین مصوبه در مالکیت کتابخانه قرار گرفت. ولی واژه تملک به صورت فعلی، اولین بار مطرح است و در قوانین ایران هیچ نوع پیشینه‌ای ندارد که مثلاً یک ماده قانونگذار پیشنهاد کرده باشد یا از طرف دولت یا نمایندگان مجلس، طرحی به عنوان تملک ارائه شود. نکته‌ای که در مورد ماده سوم فرمودند و آن را بی اهمیت ترین ماده دانستند. حال نمی‌دانم الان مجال وقتش هست که من راجع به آن صحبت کنم یا نه. اتفاقاً پر اهمیت‌ترین ماده این طرح چهار ماده‌ای، ماده سوم است که همه تکلیف را در آنجا روشن می‌کند:

صحبت توقیف دائم یا کوتاه مدت است و خیلی مسئله ایجاد خواهد کرد.
*** افکاری:** با تشکر، اجازه بفرمائید در سرفصل بعدی آن را مطرح می‌کنیم. جناب آقای دکتر سبحانی از شما می‌خواهم اگر موردی درباره بررسی پیشینه طرح در خارج یا داخل کشور به ویژه ترکیه که جناب عالی سالها تجربه در آن جا دارید، بفرمائید.

*** سبحانی:** از سال ۶۸ و ۶۹ میلادی که من در ترکیه بودم، آن موقع وضع یا حال فرق داشت. در آن موقع، ارزش خارجی را به سختی جا به جا می‌کردیم و باید حتماً به بانک مراجعه می‌کردیم و یا به طور قاچاق به زرگری‌ها و صراف‌ها می‌رفتیم. الان آن محدودیت از ارزش برداشته شده است. آن موقع کتاب خطی و سند خطی هم به این صورت بود. در بازار در مزایده این کتابها عرضه می‌شد و بعضی کتابفروشها و علاقمندان به کتابهای خطی آنجا جمع می‌شدند و کتاب می‌خریدند. ولی خارج کردن آنها در فرودگاه برای خود ترکها و اتباع خارجی ممنوع بود و الان این محدودیت برای ارزش نیست. من چون ۳ الی ۴ سال است که به آنجا نرفته‌ام، از وضعیت امروزی آنها اطلاعی ندارم ولی فکر می‌کنم این محدودیتها هم در آنجا از بین رفته است. استاد منزوی در هندوستان و پاکستان تقریباً همه کتابخانه‌های آنجا را زیر و رو کردند آنجا در جامع مسجد دهلی، نسخ خطی خرید و فروش می‌شود. حتی آنجا یک ایرانی هست که جناب آقای منزوی او را می‌شناسند. اکثر دلالان کتاب، چیزهای انفس، نمی‌گویم نفیس، چیزهای باور نکردنی



آل داود:

هیچ نویدی در این طرح نیست که ما احساس کنیم بعد از این که طرح به صورت قانون درآمد، وضع بهتر می‌شود در کدام یکی از مواد این طرح بیان شده که وضع از این بهتر خواهد شد

را آنجا می‌آوردند و عرضه می‌کنند و ایشان خریداری می‌کند که آن استثناست. ولی در داخل کشور، مخصوصاً در کلکته، بمبئی و دهلی، خرید و فروش آزاد است و در مورد خانه هم میراث فرهنگی بر آن دست گذاشته که همه اینها مال مردم است. در حقیقت مالک اصلی خدا است. حالا خیلی‌ها که احساس می‌کنند این مال از دستشان خارج می‌شود، به نحوی در خانه‌ها دینامیت می‌گذارند. خیلی از آثار ماندنی که میراث فرهنگی ترکیه روی آن دست گذاشته مثلاً خانه‌های چوبی در یک محله، مردم دست جمعی با هم توطئه می‌کنند و اموال را خالی می‌کنند و نفت میریزند و روزی ۷ تا ۸ خانه را به آتش می‌کشند و بعد مجوز می‌گیرند و در آنجا ساختمان درست می‌کنند، مثلاً الان مواد مخدر اینجا ممنوع است ولی بیشتر از سیگار می‌توان آن را پیدا کرد! من خودم خوشبختانه کتابی ندارم اما آنها که دارند و احساس می‌کنند که تهدید می‌شوند، به نحوی آن را به کتابخانه دیگری منتقل می‌کنند و نمی‌گذارند فرزندشان به دست پدر خوانده دیگری بیفتد!

*** افکاری:** آقای دکتر در مورد الزام در ثبت این نوع نسخ، آنجا چه انفاقی افتاده است؟

*** سبحانی:** این نوع ثبت نتیجه‌ای نداد، فرضاً یک گلستان قرن ۸ هجری دارم ولی دوست ندارم که آن را به کسی بدهم تا از آن استفاده کند. اگر من مالک آنم، خوب هستم، ولی اگر نیستم من بروم و آن را در آنجا ثبت کنم، خوب اگر روزی کسی به من مراجعه کند و به او ندهم نتیجه این ثبت چیست؟ اگر ما فقط اسمی از موجودی داشته باشیم که حیاتی ندارد و نفس نمی‌کشد، پس فایده این ثبت چیست؟

*** افکاری:** باتشکر از جنابعالی، از استاد انوار خواهش می‌کنم، صحبت خود را شروع کنند.

*** انوار:** من در تائید فرمایش آقای دکتر سبحانی می‌گویم، اولاً کاشکی پیشنهاد دهندگان طرح بودند و به آنها می‌گفتم که وقتی قانون می‌گذرانند، این قانون باید عمل شود وگرنه اگر قانون موافق واقعیت نباشد تخلف ایجاد می‌کند، یعنی اگر کسی کتاب خطی داشته باشد و او را ملزم کنند که به جایی بدهد، او نه تنها نمی‌دهد، ممکن است قاچاق هم بکند و دست دیگران هم نمی‌دهد. به نظر من یکی از قوانین خیلی اشتباهی است که بگویند کتاب خود را به دست کس دیگری بدهید. من خودم وقتی در کتابخانه ملی بودم یکی از دوستان گفت بیا تا چند تا کتاب شخصی را قیمت گذاری کنیم، وقتی من به منزل ایشان مراجعه کردم و ایشان فهمید که من از کتابخانه هستم، گفتند ما کتابی نداریم.



سبحانی:

صدا و سیما می‌تواند یک برنامه‌ای بگذارد و هفته‌ای یک بار توضیح دهد که جلد چیست و... و واقعاً تقدیری از کتابها کند و مردم با اعتماد این کتابها را بفرروشند و اگر به خانه می‌برند با اعتماد ببرند.

این به این معنا است که مردم از دستگاه دولتی می‌ترسند. حالا شما بیا بید این کتاب را به کتابخانه ملی بدهید و آن را نیز ثبت کنند، ممکن است بعدها مزاحمتی برای ایشان ایجاد شود. پس قانون، باید قانونی باشد که قابل عمل باشد و قانون غیر قابل عمل بر خلاف قانون، قانون ایجاد می‌کند. آنهایی که این طرح را دادند خودشان هیچ تخصصی و هیچ تماسی با این نوع کارها نداشتند. قانونی که قابل عمل نباشد جای بحث کردن ندارد. حال قانون را هم گذرانیم چطور می‌توانید مردم را کنترل کنید؟ مگر این که تمام افراد مملکت و کتابخانه‌های آنها را کنترل کنید، آن هم نمی‌شود چون وقتی یک خانه را کنترل می‌کنید نفر بعد، کتابش را به خانه دیگر می‌دهد. از نظر من چنین قانونهایی صحیح نیست و اصلاً جای صحبت هم ندارد. زمانی هم که شما در مجلس بودید و می‌خواستند چنین قانونی را بگذارند، به نظر من حقیش بود که برای آنها چنین توضیحاتی می‌دادید که این قانون اصلاً بی‌احترامی به قانون است. البته من کتاب خطی ندارم ولی این قانون نه تنها عملی

نمی‌شود بلکه بازار کتابفروشه‌های قاچاق را گرم می‌کند.

*** افکاری:** با تشکر از استاد، آقای جعفری مذهب، بنا به بحثی که پیش آمد اگر نکته‌ای در باب پیشنهاد طرح دارید مطرح بفرمایید.

*** جعفری:** یک پیشنهادی در قوانین ایران وجود دارد که به نظر من نادیده گرفته شده است آن هم قانونی است به نام قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹. ماده یک آن بیان می‌کند که کلیه آثار صنعتی و ابنیه و اماکن که تا اختتام دوره قاجاریه در ایران احداث شده، اعم از منقول یا غیر منقول، جزو آثار ملی است و دولت مکلف است کلیه آثار ملی ایران را که فعلاً معلوم است، فهرست برداری کند، ثبت مال در فهرست آثار پس از تشخیص اجازه برای مالک خصوصی است اما مالک اگر بخواهد منتقل کند باید به دولت خبر بدهد. مالک مال غیر منقول و یا هر کسی که خردار می‌شود باید به دولت خبر بدهد در مورد مال منقول (اسم نسخه خطی نیست) هر مال منقولی که در فهرست آثار ملی هست. حال بیابید نمونه آن را ببینیم، ببینیم ما اموال منقول دیگر را که البته نسخه خطی هم می‌تواند جزو آن باشد، سال ۱۳۰۹ تصویب کردیم آیا عملی بود یا خیر؟ الان ۷۳ سال بعد از این قانون هستیم آیا بعد از ۷۳ سال توانستیم اموال منقولی را که از آثار ملی محسوب و مالک خصوصی داشته باشد در فهرست جداگانه به ترتیبی که در ماده ۲ مقرر است ثبت کنیم؟ فکر کنیم چند سال بعد چه می‌شود. برای هر مال منقول باید یک معرفی نامه در دو نسخه یکی را به دولت و دیگری را به صاحب بدهیم، هر کس اگر بخواهد مال منقولی را که دارد به دیگری بفروشد باید به اداره دولتی خبر دهد. هر کس اموال منقوله را بر حسب اتفاق به دست بیاورد باید به دولت خبر دهد و هر کس بخواهد از کشور خارج کند باید به دولت خبر دهد. در مورد اموال منقول که البته نسخه خطی خارج از این نیست. مردم که اموال غیرمنقول خود را در میراث فرهنگی به ثبت می‌رسانند از روی ناچاری است، زیرا اموال غیرمنقول را نمی‌توانند با خود جابه‌جا کنند. سال ۱۳۰۹ اوج قدرت رضا شاه است که این قانون تصویب شد، بعد از ۷۲ سال اگر قانون مورد بحث تصویب شود، من فکر می‌کنم آن هم سال نتیجه‌ای مثل این خواهد داشت.

*** افکاری:** با تشکر، من خواهش می‌کنم اینجا به سر فصل سوم یعنی ضرورت و اهداف ارائه طرح که حتماً قصد خیرری در ارائه طرح بوده است، بپردازیم. جناب آقای امیر خانی لطفاً بفرمائید که هدف از ارائه این طرح چه بوده است و نهایتاً چه راهکردی را پیشنهاد می‌کنید؟

*** امیر خانی:** اگر من تا شب هم توضیح دهم، فکر می‌کنم هیچ فایده‌ای ندارد، چون اصلاً شما عنایتی به عرایض بنده نفرمودید و من گفتم اصلاً از ماده ۲ با قید لزوم، را هیچ کس دفاع نمی‌کند و در طرح ما هم نبوده است. شما تکرار کردید و همه اسناد هم روی آن تأکید کردند که این لازم است. حال اگر این قید لازم را بردارید، باز هم مشکل دارد؟

*** افکاری:** اگر شما اهداف طرح را بفرمائید قضیه روشن می‌شود؟

*** امیر خانی:** بحث این است که دوستان نظرات خود را بیان کنند. آیا الان همان طور که جناب دکتر جعفری گفتند وضعیت نسخه‌های خطی وضعیت مناسبی هست یا خیر؟ مایلیم که این سوال را همه دوستان پاسخ بدهند. قطعاً من فکر می‌کنم همه ادعان دارند که

وضعیت مناسبی نیست، اگر اجازه دهید این را به گفته استاد عزیزم جناب آقای انوار مستند می‌کنم که در یکی از نوشته‌های خود فرموده بودند: دقیقاً عین جمله‌های آقای انوار است... یکی از عوامل وضعیت نامطلوب نسخه‌های خطی، ترس و کراهت از ارائه نام و نشان کتابها است. این نکته که یک چیز بدیهی است و همه آن را می‌دانند. خوب تکلیف چیست؟ یا این نسخه‌ها از کشور خارج می‌شود یا اینکه در واقع در بهترین حالت، دست دلالان می‌افتد و با چند برابر قیمت به کتابخانه ملی و مجلس و مرکزی دانشگاه تهران می‌فروشند یا در حالت دیگر این است که شخص از دلالی مجموعه‌ای از نسخه‌ها را می‌خرد. من دقیقاً روی نسخه خطی تاکید نمی‌کنم، سایر کتابهایی هم ممکن است نادر و ارزشمند باشد. این را می‌خرد و از بین آنها، بهترینها را جدا می‌کند و بقیه بنجل‌ها را ارائه می‌دهد، همان چیزی که ما به کرات می‌بینیم. بنابراین فکر نمی‌کنم این که نسخه‌های خطی الان وضعیت مناسبی ندارد، مخالفی داشته باشد. پس هدف اصلی این بوده که از این وضعیت نامناسب خارج شویم. اما در راستای همان مشکلی که جناب استاد انوار اشاره فرموده بودند ماده اول آن که بحثی ندارد، بسیاری از کسانی که نسخه‌های خطی دارند ناشی از جهلشان اگر باشد فکر می‌کنند آن یک جنس قاچاق است و نمی‌توانند خرید و فروش بکنند و اصلاً کراهت دارند که در واقع به مراکز دولتی یا خارج عرضه کنند و یا اینکه در حالت خیلی خوب این است که به دلالان بدهند. پیشنهاد ما این بود که صاحبان آثار می‌توانند اینها را در کتابخانه‌های ملی به ثبت برسانند و بنام آنها شناسنامه تهیه شود. در این جا بحث زیاد است این که می‌توانند حالا چه خاصیتی دارد؟ خوب یکی هم نمی‌آورد که ثبت کند. ما راه حل‌های زیادی در این مورد داشتیم، یکی از پیشنهادات ما بحث بیمه بود. اگر نسخه‌ای به کتابخانه ملی ارائه می‌شود، کتابخانه ملی طبق نظر کارشناسی این نسخه را بیمه می‌کند در ازای بیمه‌ای که می‌کند. حتی اگر نیاز به مرمت و آفت زدایی داشته باشد این کار را رایگان انجام می‌دهد و در ازای این کاری که انجام می‌دهد، اجازه داشته باشد از آن نسخه اسکن تهیه کند. اسکن به نسخه لطمه‌ای وارد نمی‌کند. این اطلاعات، هم متن کامل اثر و هم اطلاعات نسخه‌شناسی و کتاب شناسی در اختیار کتابخانه ملی خواهد بود. حالا راهکار آن به چه صورت خواهد بود، این مباحث بعدی است که بیمه شود.

*** افکاری:** پس در واقع شما با تغییر قید لازم به می‌توانند، آن را از اجباری و قانونی به اختیاری در آورید.

*** امیر خانی:** بله صد درصد. عرض کردم من اولین جمله‌ای که در کمیسیون فرهنگی عرض کردم، گفتم: اصلاً موافق این نیستم و طرح اولیه ما این نبوده است. لازم باید از قیدش حذف شود. بلافاصله این سوال مطرح می‌شود که دوباره تکرار می‌کنم خاصیتش چیست، این است که کسی برای ثبت آن نمی‌آید. چند راه تشویقی برایش در نظر گرفته بودیم یکی از این راهها بحث بیمه آثار است که می‌شود بحث کرد. ماده ۳ نیاز به بحث ندارد. من دوباره روی قسمت دائم یا کوتاه مدت تکرار می‌کنم اگر آنجا قید می‌کند که در صورت توقیف دائم یا کوتاه مدت قطعاً در ادامه‌اش می‌گوید بر اساس رأی محاکم، شما می‌گوئید یک چیزی توقیف کوتاه مدت شود اما دائم تحویل فلان جا

دهید این در واقع نشدنی است! ضمن اینکه ما در این خصوص تجربه داریم. ما پیشنهادی که می‌توانیم بدهیم، دوستان را تشویق کنیم حتی آثاری که توقیف می‌شود به یک نوعی در صورت رضایت شخص آن نسخه را می‌توانیم خریداری کنیم و کتابخانه ملی می‌تواند بودجه آن را پرداخت کند. موردی در چند سال قبل بود، یک مجموعه کتابخانه ایران شناسی نفیس که مصادره شده بود و دادگاه آن را به کتابخانه ملی تحویل داد، بعد از مدتی صاحبان آن مجموعه پیدا شدند و از خارج کشور آمدند و حرف خودشان را ثابت کردند که این مجموعه را پس بگیرند. خوب کتابها وارد کتابخانه شده بود و مهر شده بود و حتی ثبت هم شده بود تنها راهی که می‌شد طبق نظر کارشناسی عادلانه رضایت آنها جلب شود و در واقع آن معادل ارزشی که برای آن گذاشته بودند به آنها پرداخت شد. من می‌دانم بسیاری از مشکلات دیگر هست مثلاً بحث قیمت گذاری‌هایی که در مراکز دولتی می‌شود. خود ما می‌دانیم عمده‌تاً قیمت‌هایی که گذاشته می‌شود، قیمت‌های پائینی است و شخص رغبت نمی‌کند به مراکز دولتی رجوع کند. یکی از راههایی که در واقع می‌شود جلوی خروج نسخه‌ها را گرفت، تجدید نظر در کارشناسی‌ها است؛ کارشناسی با کیفیت بالاتر و دقیق‌تر. هدف اصلی بند سوم صورتجلسه امروز این است: وضعیت فعلی نسخه‌های خطی در کشور ما اصلاً مطلوب نیست.

*** افکاری:** راهکارهایی که فرمودید پیشنهادات بسیار خوب تشویقی



انوار:
ولی این قانون نه تنها
عملی نمی‌شود بلکه بازار
کتابفروشه‌های قاچاق را
گرم می‌کند.

است ولی بحث سر ضمانت اجرایی قانونی این طرح است.
*** کاشانی:** کتابخانه ملی این طرح را با نیت خیری ارائه کرده است، اما این نگرانی کتابخانه ملی را همه کتابخانه‌ها به نوعی دارند. کارهایی مانند کتابخانه مجلس انجام می‌دهند به خاطر این است که بتوانند وضع نسخه‌های خطی را سر و سامان بیشتری بدهند؛ هر کسی به فراخور امکاناتی که دارد. من به همان نکته ای که اول آقای امیرخانی فرمودند بر می‌گردم. ما الان صحبت می‌کنیم که این طرح غلط است یا درست؟ این یک بحث است و بحث دیگر آن چیزی است که به مجلس ارائه شده، تکلیف چیست؟ این طرحی که به مجلس ارائه شده همین طرحی است که کپی آن را بعضی از دوستان دارند و از طرف کتابخانه ملی به نمایندگان مجلس ارائه شده و این دقیقاً همان چیزی است که ما الان جلویمان می‌بینیم. یعنی در واقع نمی‌توانیم الان چیزی که نامه رسمی مجلس است غلط پنداریم و بگوییم نسخه اصلاح شده آن در دفتر کار من است و کتابخانه ملی آن را نگفته است. عیناً ماده دوم را می‌خوانم:

ماده ۲: لازم است این آثار در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به ثبت برسد و برای آنها شناسنامه تهیه شود. ماده ۳: در صورت توقف دائم یا کوتاه مدت این آثار و یا مصادره براساس رای محاکم صالحه آنان موظفند این آثار را به طور دائم به کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تحویل دهند. این نامه رسمی است به شماره دفتر ثبت (۵۵۹) نامه ای است که ۲۳ نفر از نمایندگان مجلس برای رئیس مجلس نوشتند که اسم آنها در زیر آن هست و طرح و سابقه طرح را ضمیمه کردند که عنوان آن «طرح ثبت و تملک کتب و اسناد خطی نادر» است. این مطلبی است که از طرف کتابخانه ملی ارائه شده است. مگر این که خلاف آن ثابت شود و بگوییم که این نامه «کتابخانه ملی» است، با این مغایرت داشته، این هم متن نامه و شماره نامه است. مکرر شنیدیم که گفته شده این یک غلط چاپی بوده است. چطور ممکن است در یک نامه رسمی که از طرف رئیس سازمان مهمی به مجلس میرود، غلط تایپی باشد. همچنین در گفتگویی که آقایان دکتر خسروی و آقای آل داود شرکت داشتند ایشان فرمودند که این واژه «تملک» را ما اضافه نکردیم؛ کمیسیون فرهنگی اضافه کرده است.

نکته بعد این که وقتی طرحی در سطح ملی مطرح میشود باید کارشناسی شود؟! درباره این طرح با کدام کارشناس نسخه خطی مشورت شده بود؟ با استاد افشار، حائری، دکتر مهدوی، انوار، منزوی، چه



کاشانی:

من سه تجربه در زمینه طرحهای مشابه را شخصاً بررسی کرده‌ام؛ یکی در مصر، دیگری در سوریه و سومی در لبنان. اینها به نوعی این مسأله را به صورت قانون در آورده‌اند اما نتیجه‌اش در صحبت با مجموعه‌داران، نگرانی و مآلاً پنهان نمودن آن بود

رعب و وحشتی هم نبود و دنبال آن هم نشریه نسخ خطی را با کمک مرحوم دانش‌پژوه بنیان گذاشتند که تا سالهای اوایل انقلاب ادامه یافت و در ده، دوازده جلد منتشر شد و بیش از هزاران نسخه در شرق و غرب عالم در آنجا معرفی شد، خاصه مجموعه‌های خصوصی ایران... اما مسأله دیگری در مورد سابقه این طرح این است. من سه تجربه در زمینه طرحهای مشابه را شخصاً بررسی کرده‌ام؛ یکی در مصر، دیگری در سوریه و سومی در لبنان. اینها به نوعی این مسأله را به صورت قانون در آورده‌اند اما نتیجه‌اش در صحبت با مجموعه‌داران، نگرانی و مآلاً پنهان نمودن آن بود. وقتی که در سال ۶۹ با آقای دکتر اسعد احمدعلی، دوست صمیمی حافظ اسد و همسن حافظ اسد و رئیس دانشگاه سوریه، راجع به این طرح صحبت می‌شد، ایشان می‌گفت وقتی که کتابخانه اسد تأسیس شد، قانونی را گذراندند که نسخه‌های خطی باید در کتابخانه ملی اسد متمرکز شود. ایشان می‌گفت من مجبور شدم کتابخانه خود را به جایی دیگر ببرم. او هم دوست صمیمی و نزدیک حافظ اسد بود. این هم طرح حافظ اسد برای کتابخانه که به هر حال نتیجه‌اش این شد.

در ایامی که در بیروت بودیم دو سه مجموعه‌دار بی‌واسطه می‌گفتند ما می‌خواهیم مجموعه‌هایمان را خارج کنیم. فقط به این خاطر بود که می‌گفتند قانونی هست که باید تمام نسخه‌ها در دارالمخطوطات (نه دارالمخطوطات) ثبت شود. قطعاً اولش هم پیشنهاد بود و الزام نبود ولی بعداً به این نتیجه رسیدند چون میراث فرهنگی است حتماً باید الزام باشد و باید ثبت شود. نکته بعدی هم در جلسه آخری که در کمیسیون فرهنگی قرار به رأی گیری شد من به اتفاق استاد حائری و آقای ابهری (رئیس کتابخانه مجلس) به کمیسیون فرهنگی رفتیم. از کتابخانه ملی اصلاً کسی حضور نداشت. در آنجا به پیشنهاد آقای دکتر حدادعادل نظر به مسکوت ماندن این طرح دادند چون این طرح کارشناسی نشده بود و نیاز به بررسی مجدد داشت. در آنجا جز آقای شعردوست کسی در موافقت طرح صحبت نکرد که البته خود ایشان هم رأی به مسکوت ماندن آن دادند. بعدها ضرورتی پیش آمد که با آقای بجنوردی رئیس کتابخانه ملی راجع به همین طرح صحبت شود. ایشان جویای نظرات کارشناسان شدند که تعدادی از آنها را برایشان فرستادم. نظرات کتبی خیلی از افراد بود؛ استاد حائری، افشار، برومند، انوار، اشکوری، مرعشی نجفی، آل داود، سبحانی، منزوی و بعضی دیگر. نزدیک به ۳۰ الی ۴۰ نظری که به کتابخانه مجلس رسیده بود آن هم به دنبال نامه رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس (به تاریخ ۱۳۸۱/۹/۱۰، به شماره ۵۸۸۷) که از کتابخانه خواسته بود که روی این طرح نظر بدهند. مرکز پژوهش‌های مجلس از کتابخانه خواست که این طرح را بررسی کند و کتابخانه هم نامه‌ای نوشت و از تمام کارشناسان داخل و خارج کشور خواستیم که در مورد این طرح نظرشان را بدهند. من عین عبارت نامه را برای شما می‌خوانم: «احتراماً همانگونه که اطلاع دارید، اخیراً برخی از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی طرحی را به مجلس پیشنهاد کرده‌اند مبنی بر «ثبت و تملک کتب خطی و اسناد نادر» از آنجا که این طرح هنوز در مراحل ابتدایی و در دست بررسی قرار دارد، ولی خبر آن در سطح جامعه

کسی؟ هدف عمده طرح این بود که وضعیت پیش آمده برای نسخه‌های خطی از این وضعیت در بیاید و راهکارهای بهتری برای سامان دادن ارائه شود. در صورتی که این طرح کوچک ترین مشکلی را حل نکرد بلکه در عوض نگرانیها را بیشتر کرد. نه تنها هیچ نقطه قوتی نداشت بلکه وضعیت نسخه‌های خطی را خیلی آشفته تر کرد. برای سابقه این طرح وقتی استاد ایرج افشار به عنوان رئیس کتابخانه ملی در سال ۴۱ انتخاب شدند، همان ایام طرحی را دادند که در مجله یغما چاپ شد. ایشان از صاحبان مجموعه‌ها درخواست کردند کسی که نسخه خطی دارد می‌تواند این فرم را پر کند و برای ما بفرستد که ما در سوابق کتابخانه داشته باشیم. در آنجا توضیح داده شد که این طرح جنبه اطلاع رسانی دارد. یعنی نه قانونی پشتش بود، نه طرحی و نه تملک، ایشان این فرم‌ها را درست کرده بودند تا بدانند اسم کتاب چیست و جلدش کدام است و غیره.

ایشان ۴۰ سال پیش به جنبه‌های اطلاع‌رسانی نظر داشتند. هیچ

نسخه‌های خطی (اعم از مجموعه‌داران خصوصی - کتابخانه‌ها و مراکزی که دست در خرید کتب خطی و اسناد دارند) شایع و برخی نظرات و دیدگاه‌های مثبت و منفی را به همراه داشته است. از این رو از جناب عالی خواهشمند است با عنایت به تخصیص و تجربه در حوزه اسناد و نسخه‌های خطی نظرات خود را پیرامون طرح پیوست و همچنین تبعات مثبت و منفی ناشی از آن را مرقوم فرمایید. « نامه بدون هیچگونه موضع‌گیری نوشته شده بود. به اتفاق، کارشناسان نظر به غیرحقوقی و غیر کارشناسی بودن آن دادند. می‌خواهم راجع به همین طرحی که کتابخانه ملی به هر حال نیتش خیر بود عرض کنم که این طرح متأسفانه کارشناسی نشد و به جامعه ارائه شد و آن تبعات سوء را به همراه داشت. مثلاً در اولین واکنش‌ها قرار بود که نمایشگاهی برای آثار صنایع‌الملک برگزار شود و از ۱۲ نفر از کارشناسان خواهش شده بود که آثار صنایع‌الملک خود را به نمایش بگذارند؛ پنج - شش نفر از آنها قبل از نمایشگاه رسماً عذر خواستند و هیچ کدام حاضر نشدند که مجموعه خود را ارائه کنند. این کمترین تبعات آن بود. نکته‌ای که ضرورت دارد گفته شود این است که در این گفتگوهایی که میان دوستان صورت می‌گرفت و حتی در کمیسیون فرهنگی آقای شعر دوست فرمودند کسانی که مخالف این طرح هستند یا دلال هستند یا اطلاعاتی از مفاد طرح ندارند. اتفاقاً کسانی که با این طرح مخالفت کردند هم از مفاد آن اطلاع داشته‌اند، هم متخصص هستند و هم هیچ کدام اهل دلالتی نیستند. استادان افشار، انوار و حائری نمونه‌ای از آن هستند.

*** آل داود:** راجع به ماده دوم کلمه‌ای که آقای امیرخانی فرمودند که ما "لازم است" را حذف می‌کنیم. یکی از خصایص قانون لازمیت و آمریت قانون است. قانون باید به افراد تکلیف کند، افراد هر کشور هم موظف هستند قوانین مصوب مجلس آن کشور را اطاعت کنند؛ اگر اطاعت نکنند مجرم هستند و متخلف از قانونند. بنابراین ما اگر لازم را حذف کنیم جنبه آمریت قانون از دست می‌رود و بعید است چنین قانونی را مجلس تصویب کند. بنابراین آن حکم توصیه نامه دارد که افراد از فردا می‌توانند به کتابخانه ملی بیایند و کتابهای خود را ثبت کنند؛ نرفتند هم نرفتند، به هیچ چیزی هم مواجهه نیستند و نمی‌توانند کتابخانه ملی آن را در قالب یک ماده قانونی بگنجانند بلکه کتابخانه ملی می‌تواند یک آئین نامه‌ای یا توصیه نامه‌ای مثل کاری که آقای افشار ۴۰ سال پیش کردند، به صورت آگهی در روزنامه یا مجله منتشر کند. ولی وقتی حکم قانون پیدا کرد و لایحه‌ای که به مجلس رفت حتماً باید آن جنبه لازمیت در آن باشد. اگر قرار بر این باشد که قانون تصویب شود، ۱۵ روز بعد از انتشار آن در روزنامه رسمی، همه افراد مکلفند که این قانون را اجرا کنند و اگر اجرا نکردند متخلف محسوب می‌شوند. نکته بعدی که ایشان فرمودند که وضعیت نسخ خطی خیلی خراب است این قابل قبول است وضعیت نسخه‌های خطی و اسناد در کشور خیلی بد است. خیلی اسناد نفیس دست مردم است که کتابخانه‌ها و مراکز دولتی به قیمت خوب نمی‌خرند. هیچ نویدی در این طرح نیست که ما احساس کنیم بعد از این که طرح به صورت قانون درآمد، وضع بهتر می‌شود در کدام یکی از مواد این طرح بیان شده که وضع از این بهتر خواهد شد. نکته سومی که در همین ماده وجود دارد این است که بعد از این که این آثار

در کتابخانه ملی به ثبت رسید برای آنها شناسنامه تهیه شود. البته من جسارتی به وجود اساتید خود نمی‌کنم، کتابخانه ملی ایران در سال ۱۳۱۶ گشایش رسمی یافت و نزدیک به ۸۰ سال عمر دارد. کتابخانه با وجود داشتن اساتیدی چون جناب انوار، افشار و منزوی... هنوز نتوانسته - البته به نظر من - فهرست کاملی از موجودی کتابخانه ملی ارائه دهد تا محققان بدانند داخل کتابخانه چند جلد کتاب وجود دارد چه برسد به اینکه مواجه شوند با دهها کتابخانه‌ای که در اختیار افراد است و یک سوم از آن کتابها بطور معمول آغاز و انجام ندارند پس چه کسی این شناسنامه را باید تهیه کند؟

*** افکاری:** در واقع شناسنامه باید بعد از فهرست نویسی نسخ خطی انجام شود.

*** آل داود:** بله. این کار زمان بری است. در ماده دیگری هست که بعد از اینکه کتابخانه‌ای را دادگاه توقیف کرد، فوری به کتابخانه ملی برود. حالا فرض کنید یک کتابخانه‌ای ۵۰۰۰ جلد کتاب خطی دارد و به کتابخانه ملی می‌رود و دادگاه فردا از آنها می‌خواهد که لیست تهیه کند چون در تکلیف دادگاه خیلی موثر است، باید دادگاه تصمیم بگیرد، اگر قیمت‌گذاری یا تقسیم بین ورثه است، هر چیزی که باشد باید دادگاه یک بهای مادی برای آن تعیین کند، کتابخانه ملی می‌خواهد با کدام امکانات چنین برنامه عظیمی را انجام دهد؟ درست است که این طرح دارای ۴ ماده بیشتر نیست ولی خیلی مسئله ایجاد خواهد کرد.



افکاری:
اسناد و کتب بسیاری از خانواده‌ها به دلیل اعتمادی که به مقومین این کتابها دارند خریداری شده است. گاهی ما حتی با رضایت مالک قیمتی را پیشنهاد کردیم و شاید که قیمت بیرون بالاتر از قیمت ما باشد، اما مردم به دلیل همان اعتمادی و ایمانی که به نتیجه این کار دارند به ما اعتماد کردند و با رضایت کامل، نسخه‌هایشان را فروختند

*** امیرخانی:** نکته‌ای که در خصوص ضمانت اجرایی فرمودید، در واقع فرمودند که این قانون الزامش کیجاست؟ الزامش برای کتابخانه ملی است نه برای مردم. عرض من این است که فرض کنید که کتابخانه‌های عمومی موظفند خدمتشان را رایگان به مردم ارائه دهند؛ خوب این چه کسی را ملزم می‌کند؟ دولت را! مردم را که ملزم نمی‌کند حتماً به کتابخانه بروند. نکته‌ای در مورد اینکه ممکن است سیل عظیم نسخه‌ها بیاید فرمودند، یک جا صحبت می‌شود که این طرح عملاً خیلی خاصیت ندارد اگر الزام آن را برداریم، اگر خاصیتی ندارد آن حجم عظیم از کجا می‌آید؟ آقای کاشانی نکته درستی فرمودند گفتند نامه رسمی این است اگر بر اساس آن چیزی که جلوی ما است و نامه رسمی هم هست به صورت درست بخواهیم بحث کنیم که اصلاً قابل دفاع نیست، حداقل این که ماده دوم و سوم آن دفاع ندارد. پیشنهاد ما این است که به هر حال در ریز مواد تمام نمایندگان ما دارای فرهنگ هستند اما کدام آنها کارشناس نسخه خطی هستند؟ هیچکدام نیستند اما

توضیحی که ما دادیم و پیشنهادی که ما دادیم این بود که ماده دوم با قید لازم است نه بنده که هیچکس دیگر موافق نیست. واگر قید لازم است نباشد ما نتیجه عملی از آن نمی‌گیریم.

*** افکاری:** پس چرا از ابتدا قید لازم است رعایت شد؟

*** امیرخانی:** عرض کردم، در پیشینه همان طور که ایشان فرمودند، ظاهراً در طرح اولیه قید لازم است بوده به خاطر همین قضیه‌ای که اگر قید قانونی آن نباشد در واقع در عمل خیلی نتیجه‌ای ندارد. اما خوب به هر حال قبل از اینکه در اولین جلسه هم بخواند مطرح شود کتابخانه، هم در صحبت شفاهی و هم در صحبت کمیسیون با قید لازم است مخالف است و موافقتی ندارد.

*** افکاری:** پس در واقع کارشناسان کتابخانه ملی هم نظر به اصلاح

ماده ۲ دارند؟

*** امیرخانی:** بله صد درصد. همه افراد کتابخانه ملی حالا یا به عنوان کارشناس یا مقاماتی که در کتابخانه هستند به هیچ عنوان آن قید الزام را در ماده ۲ قبول ندارند. الزام برای کتابخانه ایجاد می‌شود نه مردم.

*** اسفندیاری:** شما باید این طرح را از مجلس پس گرفته، طبق تشریفات اداری تصحیح می‌کردید و لازم است را حذف می‌کردید و از طریق رسانه‌ها اعلام می‌کردید. وگرنه به این صورت نمی‌شود که شما چیزی را تسلیم دبیرخانه مجلس بکنید و بعد از مدتی که سر و صدا ایجاد شود، بگویید نه خیلی خیلی لازم نیست، وقتی ببینید که مخالفان زیاد هستند! اما اگر بگویید که لازم نیست اصلاً این طرح نیست و کل این طرح کالعدم است. کل نقل و پاشنه آشیل این طرح روی این الزام است وقتی الزام را بر دارید وجود و عدمش یکسان است.

*** امیرخانی:** عرض کردم، این الزام برای کتابخانه ایجاد می‌شود.

*** انوار:** آقای امیرخانی! به قول آخوندها ظهور قانون حجت است.

این الزام را بر گردن دارنده کتاب گذاشته‌اند. ظهور به این صورت تبادر می‌شود که بنده را ملزم کرده‌اند که کتابم را به آنجا بیاورم. در سال ۱۳۵۳ خانم فرح پهلوی گفت: بهترین جلدها را ارائه بدهند و ما هم که در خود وزارتخانه بودیم کتابهایمان را ارائه ندادیم. حتی وقتی آقای ادیب برومند گفتند چرا نمی‌دهید من گفتم ما هیچ تأمینی نداریم که پس فردا اگر این نسخه خوب باشد، نسخه را بر دارند و ببرند. این الزام اگر برای شما باشد حرفی نداریم ولی این الزامی که برگردن بنده می‌گذارند نه تنها نفعی ندارد بلکه به نفع کتابخانه هم نیست. ما الان در انجمن آثار ملی راجع به خانه‌ها گفتیم فقط یک خانه از دوره قاجار باقی مانده که خانه باغ صبا است. همین دستگاه، مالک خانه را ناراحت کرد و او هم فروخت و خریدار یک شبه ۱۵۰ نفر کارگر گذاشت و صبح سقف آن را زد. در هر حال ما الان از ۱۵۰ سال پیش دیگر خانه‌ای نمونه برای دوره قاجار نداریم. به همین دلیل باید متوجه چنین قوانینی باشیم که دچار مشکل نشویم. حالا شما موافق یا مخالفید به نظر من باید این موضوع حذف شود و اصلاً خود قانون هم حذف شود و یا آیین‌نامه‌ای برای این کار در نظر گرفته شود.

*** افکاری:** همینطور که استاد فرمودند هدف از این جلسه همین

است که درباره نتایج عملی طرح بحث شود.

*** کاشانی:** راجع به آن مجموعه‌ای که آقای امیرخانی فرمودند به

هر حال یک مجموعه‌ای به کتابخانه ملی واگذار شد و ثبت شد و بعداً هم پولی را پرداخت کردند. باید عرض کنم بنده با وکیل آن مجموعه صحبت کردم. ظاهراً دادستانی مجموعه را ابتدا به طور موقت به کتابخانه ملی واگذار کرده بود، اما کتابخانه ملی آن را ثبت کرد. همان طور که در صحبت‌های آقای امیرخانی هم گفته شد آن مجموعه به ثبت رسید و البته بعداً پولش را هم دادند ولی ظاهراً قرار بود که آن مجموعه در کتابخانه تا تعیین تکلیف آن خانواده امانت بماند. آن خانواده تبرئه شد ولی وقتی که آمدند کتابها را ببرند، دیدند کتابهایی که آنجا امانت بوده همه مهر کتابخانه ملی خورده و مجبور شدند به یک قیمت توافقی واگذار کنند. نکته بعد اینکه در جلسات متعددی که با مرکز پژوهشها داشتیم، بعد از پایان جلسه کمیسیون فرهنگی مجلس، آقای دکتر شعر دوست به عنوان ممبر کمیسیون فرهنگی پشت تلویزیون طرح را قبل از کارشناسی اعلام کردند و نمی‌توانستیم جلوی آن را بگیریم. نکته دیگر، برخی تعهدات کتابخانه ملی است که هنوز به آن عمل نکرده‌اند. برای نمونه، سال‌ها پیش احتمالاً اوایل انقلاب، خانواده دکتر فخرالدین شادمان کتاب‌های ایشان را به کتابخانه ملی واگذار کردند و قرار شد این مجموعه فهرست شود که متأسفانه این فهرست حتی به صورت ابتدایی هنوز چاپ نشده.

*** افکاری:** یکی از عباراتی که اینجا به کار رفته و بحث انگیز است

«کتاب نادر» است. همانطور که فرمودید و در نقدهایی که در مطبوعات به چاپ رسید، حد و حدود و مصادیق این عبارات، شاید اندکی ابهام داشته باشد. آیا مصادیق کتب و اسناد خطی نادر شامل هر آنچه که مکتوب و دست نوشته‌است، می‌شود یا باید ارزش تاریخی یا نسخه‌شناسی خاص یا تعلق به یک دوره خاص داشته باشد؟ همانطور که جناب آقای دکتر جعفری مطرح فرمودند، و یا تعریف کتب نادر براساس تعریف خاصی در کتابخانه ملی ارائه شده‌است؟ آقای امیرخانی در مورد این موضوع هم توضیحی بفرمائید تا سایر دوستان و اساتید هم بحث بکنند.

*** امیرخانی:** در مورد این واژه نه من و نه شما و نه هیچکس دیگری نمی‌تواند تعریف بگذارد که نسخه نفیس یعنی چه! اصلاً نادر و اسنادش را هم حذف کنیم، آیا همه کتب خطی واقعاً نفیس می‌باشند؟ به هیچ عنوان نمی‌توانیم بگوییم از صد نسخه‌ای که الان معمولاً در بازار وجود دارد و برای فروش عرضه می‌شود قطعاً همه ما معتقدیم ۸۰ درصد از اینها را اگر از مرز هم خارج کنند از نظر ما هیچ اشکالی ندارد. پس بنابراین در بحث نفیس بودن هیچ خط و مرزی وجود ندارد، اما خود دوستان نیز واقفند که به مراتب یک نشریه قدیمی یا کتاب چاپ سنگی قدیمی، ممکن است از نسخه‌های خطی ارزشش بیشتر باشد. بنابراین، این قید را دارد که فقط منحصر به کتابهای خطی نشود و در واقع اسناد خطی و کتابهای نادر و چاپ سنگی و نشریات قدیمی همه اینها را در بر گیرد. به هر حال تعریف نادر عملی نیست، هنوز سر قضیه تعریف خود کتاب همه دعوا دارند که کتاب چیست؟ یونسکو می‌گوید که زیر ۴۸ صفحه کتاب نیست، جزوه است، جای دیگر می‌گوید زیر ۴۰ صفحه و یک سری می‌گویند با توجه به محتویات، پس نمی‌شود خیلی

حد و مرزی برایش قرار داد.

*** افکاری:** به دلیل اینکه به عنوان ماده قانونی مطرح فرمودید کتابخانه ملی طبیعتاً می‌بایستی حدود آن را هم مشخص کند آیا اسناد و قبایلهجات و نکاح‌نامه‌ها و اسناد خانوادگی و شخصی را هم شامل می‌شود یا خیر؟ ارزش تاریخی یا کارشناسی شده‌ای برای آن اسناد مترتب دانسته‌اند؟

*** امیرخانی:** فرض کنید الان نشستیم و می‌خواهیم در مورد این طرح تصمیم بگیریم، می‌خواهیم بگوییم آن چیزی که نفیس است، خارج نشود. واقعاً چه پیشنهادی می‌شود کرد؟ نهایت پیشنهاد این است که تصمیم گرفته شود یعنی هیات یا کارشناسانی تصمیم بگیرند که خروج این سند یا به قول شما قبالة نامه یا سند خانوادگی اصلاً هیچ مشکلی نداشته باشد! این به همین خاطر ذکر شده که بحث بسته نشود. اگر گفته می‌شود که کتب خطی، معنی آن این است که اسناد را می‌شود خارج کرد و به هر حال ممکن است شما کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران یک کتاب را در قسمت نفیس آن قرار دهید و ما همان را در جای کتابهای عادی و معمولی بگذاریم، بنابراین اینجا این مشکل است. مشکل بحث نسخه‌های خطی و قدیمی است. فکر می‌کنم آن چیزی را که مد نظر ارائه دهنده قانون بوده این است که در واقع تشخیص نادر بودن و نفیس بودن کتاب به عهده هیاتی باشد.

*** افکاری:** پس جنابعالی هم تصریح دارید که حتماً باید نظر کارشناسی دقیق در حدود آن مشخص و روشن شود. دوستان دیگر اگر صحبتی دارند بفرمایند. جناب شیخ‌الحکمایی در مورد اسنادی که در تعریف این قانون می‌گنجد، اگر توضیحی دارید با توجه به اینکه جنابعالی در مورد اسناد تخصص دارید بفرمائید.

*** شیخ‌الحکمایی:** برای مثال مجموعه‌ای از مرحوم ثقفی، سالها پیش مصادره شده و در کتابخانه موزه ملی است. خوب به هر حال انبوهی سند، عکس، آلبوم و چیزهای مختلف دارد؛ شاید بعد از گذشت ۷ الی ۱۰ سال هنوز فهرست ساده‌ای از آن نیست. حالا قطعاً اگر بحث تعداد باشد، خوب تعداد اسناد که بیشتر است و عملاً امکان اینکه بخواهد واقعاً برای تمام اینها شناسنامه تهیه شود، با توجه به وضعیت موجود جامعه، من فکر می‌کنم که به هر حال قانونی است یا تصویبی است برای انجام نشدن. ولی آن دغدغه که البته شاید نیاز داشته باشد جای دیگری آن مسئله بحث شود که خوب به هر حال با توجه به اینکه همه اتفاق نظر دارند، که نسخه‌های خطی یک معضل است اینکه چه راهی را باید رفت که بهترین نتیجه را بدهد یا کمترین ضایعه را داشته باشد خوب باید در مورد آن واقعاً یک بحث جدی و کارشناسی شود یا از همان راههای تشویقی یا برای مثال - تا آنجا که یادم است در کتابخانه مرکزی تا قبل از انقلاب وحتى سالهای بعد از انقلاب هم بود - که به هر حال هر کسی نسخه‌ای ارائه می‌کرد مثلاً میکروفیلم گرفته می‌شد و یک میکروفیلم هم مجانی به خود او ارائه می‌شد یعنی تا آنجا که ممکن است دیگران را به اینکه این اسناد و آثار را در اختیار مراکز قرار بدهند تشویق کنیم، هر چند در آن مرحله هم لزومی برای تهیه شناسنامه آن نباشد. فقط اگر با یک نگاه کلی، یک سند یا یک نسخه خطی، ارزشمند تشخیص داده می‌شود آنجا یک نسخه‌ای هم با رضایت

طرف به عنوان تشویقی به خود او داده می‌شد تا بعدها مثلاً فهرست کنند یا به هر حال کار جدی و کارشناسی روی آن انجام شود. من از این فرصت استفاده می‌کنم و عملاً هم اشاره خیلی جدی به مسئله کتابخانه مرکزی و همان بحث ضمانت اجرایی شد و آن قوانین آن طور که اشاره شد در اوایل انقلاب تصویب شد که کتب مصادره‌ای را به کتابخانه مرکزی بدهند برای اینکه مرکز مستقلی تشکیل دهد و از آنها حفاظت کند. آن مجموعه به اضافه بسیاری از کتب دیگری که با دید کتابدارانه از کتابخانه‌های مختلف دانشگاه تهران جدا شده، الان در ساختمان رشد نگهداری می‌شود که ظاهراً حدود بیش از ۲۰۰/۰۰۰ هزار نسخه است و اینها علاوه بر اینکه ظاهراً آن کاری که باید روی آن انجام می‌شده که در حفاظت و تشکیل یک مرکز بوده، انجام نشده به نحوی کتابخانه‌هایی که به دانشگاه تهران اهدا شده بود، حال از کتابخانه صنایع‌الملک گرفته تا فروغی و مرحوم مصدق و خیلی‌های دیگر، به هر حال در طول این چند سال عملاً بسیاری از آن پراکنده شده است. این تأکیدی است بر اینکه حتی اگر قانونی هم تصویب شود، باید عملی و قابل اجرا باشد.

*** افکاری:** با تشکر، جناب آقای دکتر سبحانی اگر جنابعالی هم نظری درباره تعریف اسناد خطی و نادر دارید بفرمائید؟
*** سبحانی:** همانطور که شما فرمودید، این تعریف خیلی مشکل است. یادم هست که در چند سال گذشته کتابی برای من آوردند و گفتند



شیخ‌الحکمایی:
هر کسی نسخه‌ای ارائه می‌کرد مثلاً میکروفیلم گرفته می‌شد و یک میکروفیلم هم مجانی به خود او ارائه می‌شد یعنی تا آنجا که ممکن است دیگران را به اینکه این اسناد و آثار را در اختیار مراکز قرار بدهند تشویق کنیم

می‌خواهیم آن را بفروشیم. گفتم، نمی‌دانم قیمت آن چقدر است، کتاب را نزد مرحوم جعفر سلطان‌القرائی که یک مجتهد جامع‌الشرایط کتاب هستند، بردم. ایشان تا کتاب را دید گفت جلدش چیه و... چند می‌ارزد؟ آن موقع ارزش پول، بیشتر بود. فروشنده، قیمت کتاب را پانزده هزار تومان گفت. که آن موقع با ۳۰ هزار تومان می‌توانستیم یک دستگاه آپارتمان بخریم. ایشان گفت نه گران است ولی گفت اگر کمتر بدهند من می‌خرم. چون کتاب نزد امانت بود، در موقع برگردان کتاب، ایشان گفت شما از آن آقا خواهش کن که اگر می‌خواهد کتاب را بفروشد به من اطلاع دهد، چون این از آن کتابهای نادر است ولی برجسته نیست ولی در نوع خودش بی‌نظیر و منحصر به فرد است. من در آن نامه‌ای که به جناب آقای ابهری ریاست کتابخانه مجلس نوشتم عرض کردم که شناسنامه من بزرگترین سند در خانواده است. آیا این مشمول این قانون خواهد بود یا نه؟ در آرشیو نخست وزیری استانبول بسیاری از نامه‌های سلاطین هست که خود به خود خمیر شده است! در کتابخانه

دانشگاه همدرد دهلی حدود ۵۶۰۰ کتاب وجود دارد از من خواستند تا آن کتابها را فهرست کنم. وقتی مراجعه کردم، دیدم ۵۷ نوع کتاب داریم که اگر آن را وارد یا خارج کنند به مملکتشان چیزی اضافه یا کم نخواهد شد. من از دانشجویی خواستم که این کار را انجام بدهد و ببیند چه وضعی دارد، دانشجو گفت: کتاب مثل وضعیت یک موزائیک است، یعنی نمی‌توان آن را باز و بسته کرد و از بین رفته است. مثلاً اسناد مرحوم عبدالحمید هیچکدام به درد نمی‌خورد. در کتابخانه سلیمانیه استامبول کتابی هست که هر کسی از دیدن آن لذت می‌برد، می‌خواهد روزها بنشیند و یک مینیاتور را نگاه کند. اما ۵۸۰۰ نسخه خطی دارند و هیچ خط کشی این دو را از هم جدا نکرده است. کار بسیار مشکل است. روزهای یکشنبه در یکی از تلویزیونهای انگلیس عده‌ای عتیقه‌شناس حضور پیدا می‌کردند، عده‌ای گلدان، قالیچه، کتاب می‌آوردند به میل و رغبت. بریتیش میوزیوم نماینده‌ای برای خریداری کالا می‌فرستاد و می‌گفت اگر مایلید بفروشید، من خریدارم و اگر هم فروشنده نیستید، بدانید که کالای شما این قدر پوند ارزش دارد. الان کتابی که ۱۵۰۰۰ هزار تومان به مرحوم سلطان الفرائی گفته بودند، شنیدم ۲۵ میلیون فروختند و عده‌ای که کتاب خطی دارند واقعاً می‌ترسند و مثل فرزندان از آن مراقبت می‌کنند. به نظر من بهتر است این طرح مسکوت بماند. بعضیها می‌گویند که ما در جاهای مختلف چیزهای مختلفی داریم و متعلق به ماست، آن استاد خارجی در جواب گفت: این

سمیعی:

حال ما الان می‌خواهیم تعادلی بین این سه زاویه ایجاد کنیم یعنی می‌خواهیم در عین حال که به مالکیت شخصی آن فرد احترام می‌گذاریم، در عین حال این میراث و هویت ملی را هم حفظ کنیم و در عین حال آن بخش دانش بشری را هم در اختیار همه قرار دهیم



آثار متعلق به شماست ولی اگر این آثار در کشور شما بود تا به حال از بین رفته بود و ما حافظ فرهنگ بشری هستیم و برای شما و بشریت آن را نگهداری کرده‌ایم. آن فرد گفت من در قبال جواب ایشان سکوت کردم زیرا دیدم حرف ایشان صحیح است. این آب باریکه‌ای است که جاری است و اگر این کار انجام بگیرد به سیل تبدیل می‌شود و کتابهایی که در سه قرن می‌توانست خارج شود در ده سال خارج می‌شود و اگر این طرح مسکوت گذاشته شود به نظر من خیلی بهتر است.

* افکاری: متشکرم. از آقای استاد انوار خواهش می‌کنم اگر درمورد عواقب مثبت و منفی طرح نظری دارید. به ویژه جنبه حقوقی. بفرمائید.

* انوار: ابتدا در مورد نفیس بودن، آقای امیرخانی! این را به یاد دارم که در کتابخانه ملی، وزیر وقت سؤال کرد که نفیس چیست؟ این مسئله به اقتصاد برمی‌گردد و ما نوع ارزش داریم ارزش شخصی و ارزش عام. یعنی چیزی برای من ارزش شخصی دارد که برای دیگران هیچ نمی‌ارزد. و ما هیچ گاه نتوانستیم بگوئیم نسخه نفیس و غیر نفیس

چیست. به این دلیل گفتم یک چیزی برای من ارزش دارد ولی برای ایشان ارزشی ندارد. قباله ازدواج مادر من برای من ارزش دارد ولی برای شما هیچ نمی‌ارزد. برای این موضوع، باید ماده را حذف کنیم. ماده دوم هم به قول آقای دکتر سبحانی این هم مسکوت می‌گذاریم برای اینکه اگر توی ذهن بیفتد تمام نسخه‌ها پذیرفته می‌شود. به عنوان مثال یک نسخه از دوستم خواستم به من نداد. گفتند ما برای وصل کردن آمدیم نی برای فصل کردن آمدیم، شما باید مردم را تشویق کنید مردم کتابهایشان را بیاورند. می‌آید چنین قانونی را می‌گذارید، اصلاً مشکل قانون این است همانطور که خانم فرمودند مرحله اجرای قانون مهم است. قانون در طرح و نوشته‌اش هیچ اشکالی ندارد. این حرف ناپلئون است می‌گوید قانون را بنویسید من اجرا می‌کنم. اشکال این است که آیا شما می‌دانید اجرا کنندگان قانون چه کسانی هستند؟ بهائیت در عکاء دارد یک کتابخانه بزرگ بهائیت تشکیل می‌دهد ما در کتابخانه ملی بودیم از الواح عباس افندی کسی آورد، گفتیم این را از کجا آوردی گفت مادر بزرگم در کرمان فوت کرده و این لوح که حدوداً برای ۱۳۰ سال پیش است را برای فروش آوردند و کتابخانه گفت که ما اصلاً پولش را نداریم و نمی‌خریم. این لوح را نزد سرلشکر ایادی بردند، آن زمان سی و پنج شش سال پیش، سه نسخه آن را ۵۰۰ هزار تومان خرید و اسناد آنها خانواده آقای ایادی شده بود، در روز انقلاب تمام اینها از بین رفت و الان شنیدم که تمام آن در عکاء هست. اصلاً این قوانین باعث می‌شود تا کتابها مخفی شود.

* افکاری: با تشکر از استاد انوار، آقای سمیعی اگر توضیحی در این مورد دارید، بفرمائید؟

* سمیعی: جمع بندی تا این مرحله در این ۳ یا ۴ محوری که اساتید نظر دادند، این است که برخورد مستقیم و حذفی با مالکان و دارندگان نسخ خطی اثر معکوس دارد، یعنی اگر بخواهیم اشخاصی را که دارندگان قانونی نسخ خطی هستند، ملزم کنیم که این نسخ را برای ثبت در اختیار کتابخانه ملی یا هر نهاد دیگر قرار بدهند، این نه تنها کمکی به ثبت میراث فرهنگی ما نمی‌کند بلکه مشکل را صد چندان می‌کند. ولی هنوز نقاط مبهمی باقی است که دوست دارم در این مجلس که اساتید حضور دارند، بتوانیم پیشنهادی به کتابخانه ملی یا هر جای دیگری که با نیت خیری می‌خواهد طرحی را ارائه بدهد، بکنیم. یک نسخه خطی چند بعد مختلف دارد یکی این که ملک شخصی آقای الف است، دوم این که میراث ملی کشور ما است، سوم اینکه میراث جهانی برای بشریت است. بالاخره یک قطعه‌ای از دانش است که متعلق به بشریت است. حال ما الان می‌خواهیم تعادلی بین این سه زاویه ایجاد کنیم یعنی می‌خواهیم در عین حال که به مالکیت شخصی آن فرد احترام می‌گذاریم، در عین حال این میراث و هویت ملی را هم حفظ کنیم و در عین حال آن بخش دانش بشری را هم در اختیار همه قرار دهیم. این سه مورد در نظر اول کاملاً با هم تناقض دارند.

کشورهای دیگر مسئله را حل می‌کنند، اساتید در انگلستان این مثال را زدند. بریتیش میوزیوم برای بازدیدکنندگان، رایگان است فقط دو پوند اگر مایل باشید، درون صندوق جلوی درب موزه می‌اندازید و اگر مایل نباشید به رایگان دیدن می‌کنید. ولی فرض کنید بریتیش لایبرری

طبق آماری که یکی از اساتید در یکی از نشستهای کتاب ماه کلیات ارائه کرد. درآمد فروش اسنادش معادل درآمد فروش نفت ایران است، یعنی حدوداً بیست میلیارد دلار در سال، فروش اسناد دارد. باید ببینیم کشورهای دیگر با توجه به امکاناتی که دارند این معادله را چگونه حل کردند که توانستند آن مالکیت شخصی را با حفظ میراث و مالکیت عمومی و مالکیت بشری پیوند بدهند. به نظر من بهتر است به جای نقد مستقیم این نظریه - که جناب آقای امیرخانی خیلی از این جهات را می‌پذیرند که نظر کتابخانه ملی هم این نبوده حالا چه شده چه روالی داشته که به اینجا رسیده مبهم است، شاید برای همه ما مبهم باشد - آنچه مهم است این است که ما راهکاری را ارائه دهیم که این معضل را در سطح کلان حل کنیم، واقعاً اساتید پیشنهاداتی ارائه دهند که با این مسئله چطور باید برخورد کنیم؟ اگر واقعاً همانطور که آقای دکتر سبحانی فرمودند مسکوتش بگذاریم، فکر نکنم وضع فعلی وضع مطلوبی برای هیچکدام از ما باشد یعنی بعنوان کارشناس بگوییم این در حال حاضر وضع خوبی است و بهتر از این نمی‌تواند باشد. بنابراین جای خالی پیشنهادات سازنده در این زمینه کاملاً احساس می‌شود.

بحثی که جناب آقای امیرخانی در مورد فن آوری جدید و اسکن صفحات نسخ خطی و در اختیار قرار دادن آن، اشاره کردند، چنانچه خیلی از کتابخانه‌ها این کار را کردند و روی CD تصویر نسخ خود را می‌فروشد و ارائه می‌دهند، این هم می‌تواند راه حلی باشد، یعنی یک تلاشی از طرف کتابخانه‌های ملی بوده برای خروج از بن بست فعلی و این که واقعاً خیلی از کتابخانه‌های معروف و با بودجه و امکانات ما هستند که هنوز نسخ خودشان را حتی نیمی از آن رانته‌اند فهرست کنند. این یک معضل برای کشور ماست و اگر این قانون تصویب شود خود کتابخانه ملی هم با وضع فعلی نمی‌تواند. من می‌خواهم از این محفل یک استفاده ببرم و ببینم نظر اساتید چیست ما چطور می‌توانیم با امکانات کشور خودمان - امکانات کشور ما با کشور انگلستان، فضایش، قوانینش و عرف و عادتش سازگار نیست. و با توجه به مسایلی که داریم، بن بست فعلی و این معضلی که در نسخ خطی هست را حل کنیم؟

*** امیرخانی:** ضرورت ارائه این طرح را به شما بدهم. الان چند کتابخانه مورد توجه است مثل کتابخانه ملی، مجلس، آستان قدس و مرعشی، اگر بودجه نامحدود نگوئیم واقعاً خیلی محدودیتی در بودجه برای خرید کتاب ندارد و تا آنجا که من اطلاع دارم چند کتابخانه هست که چنین وضعیتی را دارند، اما در عمل می‌بینیم که خرید نسخه‌ها - نسخه‌هایی که جناب آقای دکتر هم فرمودند واقعاً نسخه می‌توان به آنها گفت - عمدتاً به قول معروف سر از آن طرف آب در می‌آورند، علیرغم بودجه‌ای که بوده و فعالیتی که هست. الان واقعاً کتابخانه مجلس و ملی تا آنجا که می‌دانم هر هفته جلسه قیمت گذاری دارند و نسخه‌هایی ارائه می‌شود و خریداری می‌کنند. فعال هم هستند و بودجه‌ای هست و کارشناسانی هم هستند اما باز هم این مشکل هست یعنی دقیقاً در تأیید فرمایش شما این، راه حلی برای خروج از این بن بست بوده است.

بحث دیگری که ما برای آن طرح تفصیلی داشتیم کتابخانه ملی - که پیش نویس آن طرحی را که خودمان مطرح کرده بودیم و در مراحل

بعدی الان همراه هم هست - در آنجا ذکر شده و نام برده شده از کتابخانه‌های مجلس، ملک، مرکزی، دانشگاه تهران و تمام این کتابخانه‌ها به عنوان کمک کتابخانه ملی و با شراکت کتابخانه ملی این کار را انجام دهند. این بحث حجیم و عظیم نسخه‌های کپی سرازیر می‌شود. نمونه عملی آن کار را داریم بحث بسیار عظیم‌تر از نسخه‌های خطی، بحث فیپا است. شما قطعاً مطمئن باشید که ایران در حال حاضر بهترین وضعیت را در تمام دنیا از جهت کتاب دارد! حتی فیپای کتابخانه کنگره، شما می‌دانید به اطلاعات کلی محدود می‌شود اما فیپای کتابخانه ملی تمام مشخصات توصیفی و تحلیلی و دو رده‌بندی را دربرمی‌گیرد و تمام مشخصات فیزیکی را دارد و برای همه کتابها هم نوشته می‌شود. البته به غیر از استثناهایی که به سازمانهای دولتی برمی‌گردد و مجوزی از ارشاد نمی‌گیرند، همه با همان قانونی که در مورد بحث فیپا و فلسفه پیش از انتشار تصویب شده‌اند، واقعاً کار عظیمی شد که شما را به ۳ شماره یا ۴ شماره به فصلنامه کتاب ارجاع می‌دهم، گزارشی از بحث فیپا است و یک ضرب و تقسیمی در بودجه کل مملکت که چقدر صرفه‌جویی شده، همه دوستان آشنایی دارند. من در مورد کتابهای چاپی می‌گویم اشتباه نشود - چقدر فهرست نویسی، وقت و انرژی و امکانات کتابخانه‌های ما را حتی در یک کتابخانه روستا یا شهرستان، هدر می‌داد. اما الان با یک کار راحت، نهایت این است که در اول کتاب تایپ شده و چاپ شده تقریباً بخش عمده مشکلات حل شده است. اما حال من چرا این بحث را مطرح کردم، کتابخانه ملی هم در فیپا تنها جلو نرفته، درست است که این کارها بنام کتابخانه ملی است اما شما می‌دانید که در تمام استانها مراکز مختلف وابسته به دانشگاه‌ها، نظام آموزش عالی و ارشاد و سازمانهای مختلف کمک کتابخانه ملی در قضیه فیپا شریک هستند. یعنی این کتابها را به آنجا تحویل می‌دهند. بحثی که ما روی موضوع این طرح داشتیم، این بوده که واقعاً از کمک سازمانهای دیگر - حالا کتابخانه‌های معتبر در شهرستانها یا تهران - در حوزه نسخه‌های خطی استفاده شود و این مستلزم جلسات بعدی بود. نکته دوم این بود که دقیقاً در زمانی مطرح بود که مدت کوتاهی بود که سازمان اسناد ملی در کتابخانه ملی ادغام شده بود، تا به حال کتابخانه ملی، شعبه‌ای در ایران نداشته اما الان بیش از ۱۰ شعبه استانی در سراسر کشور دارد که دوستان حتماً استحضار دارند. اما به هر حال سازمان اسناد و کتابخانه ملی، هم حوزه اسنادی آن تقویت شده و هم این که شعباتی دارد که عزیزانی که در استان هستند می‌توانند در حوزه کمک به آن کاری انجام دهند؛ البته این نیاز به وقت دارد. پیشنهاد کتابخانه ملی این بود که از کلیه مراکز که دست اندرکار نسخه‌های خطی هستند کمک بگیرد و از کارشناسان و امکاناتشان استفاده کند و این کار، کاری ملی است. من در ابتدا عرض کردم نام کتابخانه ملی اینجا حذف شود به هر حال نیت این بوده که ما از همان اصطلاحی که شما به کار بردید، از این بن بست و وضعیت فعلی خارج شویم که این از اهداف اصلی آن طرح بوده است.

*** آل داود:** من تصور نمی‌کنم کسی عنادی با کتابخانه ملی داشته باشد طبعاً همه به کتابخانه ملی علاقمند هستند و اگر مخالفتی هم با این طرح هست به خاطر نواقص آن است و در حقیقت به عنوان یک

دل سوزی ملی مخالفت می‌شود. بر خلاف گفته آقای شعر دوست، اگر نقل قول از ایشان درست باشد فکر نمی‌کنم کسی از مخالفان این طرح جزو دلان اسناد و نسخه‌ها باشند. کاش خود آقای شعر دوست حضور داشتند، چون بیشتر از همه، ایشان پشتیبان این طرح هستند. در طرح آمده که وقتی دادگاه قرار توقیف موقت را صادر کرد باید به کتابخانه ملی برود. روزانه دادگاه‌ها هزاران حکم توقیف موقت راجع به اموال منقول و غیر منقول را می‌دهند و روز بعد هم طرف دعوا ثابت می‌کند که این حکم درست نیست. هر قانونی باید یک مبنای شرعی و عرفی داشته باشد که قبول عامه پیدا کند وگرنه اصلاً اجرا نخواهد شد. من می‌خواهم بدانم که آقای شعر دوست که پشتیبان این طرح هستند مبنای شرعی و عرفی این ماده یعنی توقیف موقت اموال چیست؟ فرضاً دو نفر با هم دشمنی دارند یا یک دعوی ارث و میراثی دارند که دادگاه تا تکلیف ارثیه مورث را روشن کند به تقاضای یکی از وارثان اموال را توقیف خواهد کرد، بعد چند روز بعد هم روشن خواهد شد ولی مطابق این قانون رئیس دادگاه تکلیف قانونی دارد که همه اینها را به کتابخانه ملی منتقل کند. پس سر تمام این ورثه بی‌کلاه خواهد ماند و به چنین دادگاهی مراجعه نخواهند کرد و مسائل خود را به طریقی دیگر حل خواهند کرد. اما این که چه راه‌هایی وجود دارد به نظر من چند راه حل بیشتر وجود ندارد یکی اینکه ما قانونی را وضع کنیم برای تشدید مجازات افرادی که کتب و اسناد خطی را به خارج از کشور می‌برند، به هر صورت گمرک خیلی از اینها را ممکن است به دست بیاورد. تنها ضبط این آثار مهم نیست.

وقتی قانون خیلی سرسخت باشد طبعاً بسیاری از افراد که به دنبال اینگونه کارها هستند و ترسو هم باشند دست به چنین کاری نخواهند زد. بنابراین بهتر است که لایحه‌ای تهیه شود، حال متولی آن چه کسی باشد را نمی‌دانم شاید کتابخانه ملی نخواهد وارد شود. به هر صورت یک قانونی و یک لایحه‌ای باید تهیه شود افرادی که اموال را به خارج از کشور می‌برند باید مجازات سنگینی برای آنها در نظر گرفته شود، سنگین‌تر از آن چیزی که تا به حال بوده آن چیزی که تا به حال هست تا آنجا که من اطلاع دارم فقط ضبط این اموال است و مجازات زیاد سنگینی نیست. اما راهکار بعدی که مجلس بودجه کافی برای خرید این آثار در اختیار چند کتابخانه بزرگ کشور که یکی از آنها کتابخانه ملی - اول از همه است - کتابخانه مجلس و آستان قدس رضوی و جاهای مختلف قرار دهد، بودجه نه به اندازه‌ای که آقای امیرخانی می‌فرماید بودجه الان زیاد است، بودجه در حدی که این کتابخانه‌ها بتوانند با دلالاتی که کتاب را خارج از کشور می‌برند رقابت کنند. من در کتابخانه مجلس بارها شاهد بودم که کسی کتاب را آورده و کتابخانه هم حتی قیمت خوبی روی این کتاب گذاشته ولی فروشنده حاضر به فروش آن نشده و کتاب را برده است. معلوم می‌شود خریدار خارجی قیمت بهتری برای آن می‌پردازد. پس صحبت این نیست که الان بودجه زیاد است باید بودجه به کیفیتی باشد که بتواند رقابت کند وگرنه دلیلی ندارد که فروشنده داخلی ما اگر بتواند به فروشنده داخلی کشور بفروشد، به خارج از کشور برود به هر صورت در دسرهای و احتمال

گرفتاری و ضبط آنها وجود دارد، وقتی که بداند در کتابخانه داخلی کشور یک مرجع رسمی کتابش را به قیمت خوبی می‌خرد، دلیلی ندارد که آن را به دلال واگذار کند. بنابراین مسئله مهمی است که مجلس بتواند متوجه باشد که بودجه‌ای به اندازه کافی در اختیار قرار دهد بنابراین هیچ راه حلی جز قانون تشدید مجازات و بودجه کافی وجود ندارد، وگرنه در غیر این صورت، تصویب این قانون به نظر من هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد.

*** افکاری:** با تشکر از جنابعالی، نکته‌ای را در ادامه فرمایش آقای امیرخانی چون به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران اشاره کردند، باید عرض کنم. کتابخانه دانشگاه بودجه بسیار محدود برای خرید کتب دارد، اما به طور جدی از چند سال اخیر مرتب، ماهانه حداقل ماهی یکبار جلسه قیمت‌گذاری نسخه‌های خطی دارد، اسناد و کتب بسیاری از خانواده‌ها به دلیل اعتمادی که به مقومین این کتابها دارند که جناب آقای افشار و دکتر مهدوی هستند و خوشبختانه توسط خود این اساتید معرفی می‌شوند خریداری شده است. گاهی ما حتی با رضایت مالک قیمتی را پیشنهاد کردیم و شاید که قیمت بیرون بالاتر از قیمت ما باشد، اما مردم به دلیل همان اعتمادی و ایمانی که به نتیجه این کار، یعنی حفظ و نگهداری و انتشار و تهیه میکروفیلم و کپی در کتابخانه دولتی برای محققین دیگر داشتند به ما اعتماد کردند و با رضایت کامل، نسخه‌هایشان را فروختند. ما اگر درست مردم را توجیه کنیم و اعتماد آنها را جلب نمایم بیشترین سرمایه‌گذاری فرهنگی را انجام داده‌ایم. اما اگر کتابخانه ملی با توجه به نکته مثبتی که در فرمایشات شما بود اگر در تمام ایران هم شعبه داشته باشد ولی نتواند اعتماد لازم را جلب کند ضمانت اجرایی نخواهد داشت. شما در باب تعداد موسسات فرهنگی همکار و جلب حمایت مردم گفتید، چرا از این راه شروع نکنیم تا مردم اعتماد کنند و نسخه‌های خود را با رضایت بیاورند. ما هیچ برگی از کتاب در در کتابخانه بدون اجازه مالک آن میکروفیلم نکردیم چه در سالهای گذشته و چه در حال. یعنی با رضایت کامل و با وقوف مالک نسخه تهیه شده و مقومان کتابخانه هم هیچ‌گاه هیچ وجهی بابت قیمت‌گذاری نسخه‌ها دریافت نکرده‌اند. اگر طبعاً ما نتیجه این جلسه را حمل بر خیر خواهیم کرد و در تکمیل تمامی نواقص طرح و فرم نهایی که قابل ارائه و اجرا خواهد بود می‌کوشیم.

*** سبحانی:** مطلبی را که من می‌خواهم یادآوری کنم و در تلویزیون انگلیس هم به آن اشاره کردم، تقویم و آن اعتماد است. آنها می‌گویند اگر می‌خواهی بفروشی ما از شما به این میزان می‌خریم و اگر نمی‌فروشد خوش آمدید! و بدانید که ارزش کالای شما همین مقدار است و مالکان با اطمینان آن را می‌دهند و عده‌ای هم هستند، من این را در دهلی دیدم جناب منزوی افرادی را می‌شناسند، بعضی‌ها از آنجا نسخه خطی می‌آورند و می‌داند که قیمت آن در بیرون ۵۰/۰۰۰ روپیه است ولی به قیمت ۱۰/۰۰۰ روپیه با رضایت می‌فروشند و می‌داند که این باید به یک کتابخانه معتبر منتقل شود، از ۴۰/۰۰۰ روپیه صرف نظر می‌کند. صدا و سیما می‌تواند یک برنامه‌ای بگذارد و هفته‌ای یک بار توضیح دهد که جلد چیست و... و واقعاً تقدیری از کتابها کند و مردم

با اعتماد این کتابها را بفروشد و اگر به خانه می‌برند با اعتماد ببرند.
*** افکاری:** امیدواریم شاهد اجرای چنین برنامه‌هایی در ایران باشیم. جناب آقای اسفندیاری از شما خواهش می‌کنم اگر صحبتی دارید بفرمائید؟

*** اسفندیاری:** نسخه‌های خطی بخشی از فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی ماست. الان که ما دچار بحران هویت یا انقطاع فرهنگی یا شکاف میان نسلها شدیم باید از هر وسیله‌ای که در بازسازی فرهنگ و تمدن گذشته به ما یاری می‌رساند، استفاده کنیم. لذا حفظ و نگهداری این نسخه‌های خطی را از این جهت باید بسیار معتتم بشماریم. من حدس می‌زنم پیشنهاد دهندگان این طرح هم، چنین انگیزه و نیتی داشتند اما با توجه به توضیحاتی که آقای امیرخانی دادند اگر این توضیحات را، توضیح رسمی قلمداد کنیم، در واقع ما سر بی‌صاحب را می‌تراشیم، این طرحی است که قائلی ندارد. لذا نقد آن خیلی لزومی ندارد. من مناسب می‌دانم به جای اینکه درباره این طرح صحبت کنیم، کمی پیرامون طرح و مسائل جانبی آن صحبت کنیم. گمان می‌کنم یکی از مشکلاتی را که این طرح داشته این بود که گره‌ای را که می‌توانستند با دست باز کنند، می‌خواستند با دندان باز کنند. از همان ابتدا شمشیر به روی دارندگان نسخه‌های خطی کشیده شده، الان کتابخانه‌هایی در کشور داریم که در این کتابخانه نسخه خطی دارند، این نسخه‌ها چگونه در این کتابخانه‌ها نفوذ کرده؟ از طریق این طرح نبوده از طرق دیگری بوده! یا افراد از بازار خریداری کردند یا افراد هدیه کردند و افرادی که نسخه‌های خطی خود را هدیه کردند کم نیستند. کتابخانه آیت الله مرعشی را من اطلاع دارم، فراوانند و کتابخانه‌های دیگر هم وجود دارد.

به هر حال ما الان وارث مخطوطات بسیاری در کتابخانه‌ها بدون شمشیر و سر نیزه و شمشیر را از رو بستن، هستیم. چون به همان مسیر طبیعی آن پیش می‌رفتیم. اما اگر در آن مسیر پیش برویم یک عده‌ای تازه حریص می‌شوند و آن چیزی که دارند پنهان می‌کنند و در صندوق خانه‌ها مخفی می‌کنند و یا نقبی می‌زنند و به آن طرف مرز می‌فرستند. در واقع درباره نسخه‌های خطی باید اولین دغدغه و دل‌نگرانی ما این باشد که به آن طرف مرز نرود. اما یکی از آفات عارضی این طرح آن است که باعث می‌شود نسخه‌های خطی به آن طرف مرز بروند. یعنی در واقع نقض غرض می‌کند. من چند پیشنهاد دارم و گمان می‌کنم که این طرح مسکوت هم نشود در مجلس هم صحبت شود و در آنجا این طرح را رد کنند. چون اغلب یا همه کارشناسها نظرشان این است که با این طرح حفاظت از نسخه‌های خطی ممکن نیست. یکی از پیشنهادات من این است کسانی که الان نسخه‌های خطی دارند و نسخه‌های نفیس هم دارند و می‌خواهند بفروشند، خریدار اینها نیست. کتابخانه‌های دارای نسخه‌های خطی برای شناسایی این افراد در سراسر کشور خیلی فعال شوند. الان در برخی از شهرها مثل یزد، اصفهان و تهران خیلی نسخه‌های خطی در کتاب فروشی‌ها موجود است و می‌فروشند. حداقل اینکه ما از چیزهایی که ساده‌تر، ممکن‌تر و

سهل الوصول‌تر است باید شروع کنیم. کسانی که نسخه‌های خطی دارند و می‌فروشند و نسخه‌های آنها هم نفیس است ما آنها را شناسایی کنیم و دولت نسخه‌ها را از آنها خریداری کند.

من در شهر خودمان ۱۰ الی ۲۰ نفر را می‌شناسم که نسخه خطی دارند و گاه و بی‌گاه به کتابخانه‌ها مراجعه می‌کنند و یکی یکی و دو تا و پنج تا پنج تا می‌فروشند و کس دیگری که در شهر یزد است او نیز می‌داند یعنی تمام نسخه بازها و کتاب بازها را می‌شناسد. به هر حال یک صنفی هستند و این رده همدیگر را می‌شناسند. بدون زور و اجبار از آنها بخرند یا حداقل آن چیزی که در بازار یا کتاب فروشی‌ها است از این طریق جمع‌آوری کنیم. دومین پیشنهاد من این است که یک بودجه اختصاصی به کتابخانه‌ها داده شود فقط و فقط برای نسخه‌های خطی. یعنی عنوان کلی نداشته باشد و بگوئیم این بودجه کتابخانه ملی، این بودجه کتابخانه ملکه، این بودجه کتابخانه آستان قدس رضوی، نه! این بودجه در یک سال فقط و فقط برای خرید نسخه‌های خطی تعلق دارد و صرف چیز دیگری نشود. گاهی اوقات کتابخانه‌ها بودجه‌ای می‌گیرند اما اینقدر مشکلات دارند و مشکل حقوق کارمندانشان را دارند نمی‌توانند آن را به خرید نسخه اختصاص دهند. چون اگر بخواهند نسخه را خریداری کنند، حقوق کارمندانشان

اسفندیاری:

اما یکی از آفات عارضی این طرح آن است که باعث می‌شود نسخه‌های خطی به آن طرف مرز بروند. یعنی در واقع نقض غرض می‌کند. من چند پیشنهاد دارم و گمان می‌کنم که این طرح مسکوت هم نشود در مجلس هم صحبت شود و در آنجا این طرح را رد کنند. چون اغلب یا همه کارشناسها نظرشان این است که با این طرح حفاظت از نسخه‌های خطی ممکن نیست



می‌ماند. بودجه اختصاصی به کتابخانه‌ها داده شود، فقط و فقط برای خریداری نسخه‌های خطی. یک راه دیگر این است که ما اعلام کنیم که اگر کسی نسخه‌ای دارد. از یک طرف مالک این نسخه است و از طرف دیگر اثر ملی است. که نسخه‌های خطی را هر کسی دارد برای آفت‌زدایی و مرمت مثلاً کتابخانه ملی، دانشگاه، مرعشی و آستان قدس به جهت آفت‌زدایی و میکروپ‌زدایی و مرمت از این کتابخانه‌ها نسخه‌ها سرویس رایگان می‌دهد. صاحبان نسخه‌های خطی ببینند که کسانی در این کشور هستند که با بودجه بیت‌المال، نسخه‌های خطی را که شخصی است و متعلق به فرد است، چون این را یک اثر ملی می‌داند، مرمت و آفت‌زدایی می‌کند. یعنی شما هنگامی که با دارنده اثر ارتباط برقرار کنید برخی از این دارندگان که از مرمت شما برخوردار می‌شوند و از خدمات آفت‌زدایی و میکروپ‌زدایی برخوردار می‌شوند، ممکن است به این طریق به شما بفروشند نه اینکه به آن طرف مرز

ببرند. و گرنه هنگامی که زور و سر نیزه و شمشیر و اینگونه چیزها پیش بیاید قطع داشته باشید، باعث می‌شود که این نسخه‌ها به خارج از کشور برود و این طرح که مهمترین هدف آن، این بوده است که به خارج از کشور نرود نقض غرض می‌شود.

این را هم خواستم عرض کنم، کتابخانه‌های متعددی در شهرستانها برای مثال در آمل و بابل وجود دارد و انسان هیچ تصویری از آن ندارد، شما در بابل یا آمل بر حسب اتفاق به یک مدرسه علمیه می‌روید و می‌بینید ۵۰۰ نسخه خطی از خیلی سال گذشته وجود دارد که اصلاً شناسایی نشده و در کشور گم است و کسی نمی‌داند که این حوزه علمیه کتابخانه‌ای دارد و در آن ۲۰۰ الی ۵۰۰ نسخه خطی هست. در درجه اول ما همین مقدار را که داریم حفظ کنیم بعد ندای هل من مزید بزنیم. آقای سبحانی فرمودند گاهی اوقات این طرحها ناشی از انگیزه بیش خواهی ما است. الان در شهرستانهای متعدد مخصوصاً شهرستانهایی که سابقه و حوزه علمیه کهن دارد، خیلی نسخه‌های خطی دارد که اصلاً شناسایی و فهرست نشده، و دیگر اینکه برای فهرست‌نویسی و شناسایی این نسخه‌های خطی باید کتابخانه ملی یک سری نیروهای علمی فهرست نویس را در سراسر ایران تجهیز و شناسایی کند که اینها گم نشوند.

* **امیرخانی:** جناب اسفندیاری نکات خوبی را فرمودند. اما از این نکته من تعجب کردم! ایشان فرمودند این نسخه‌ها تا به حال چگونه به کتابخانه‌ها رسیده و حفظ شده، شما چرا آن طرف قضیه را نمی‌بینید که این همه نسخه نفیس چگونه خارج شده؟ چقدر از نسخه‌های نفیس ما در همین پنجاه سال اخیر خارج شده؟ شما می‌گویید همین روالی که تا به حال هست؛ همه متفق القول هستند که این روال، روال خوبی نیست و در مورد نکته دوم، خدمتتان عرض کنم، بهترین راه که نظر همه اساتید همین بود راه فرهنگ سازی است. یعنی واقعاً فرهنگ ایجاد شود، جناب آقای دکتر فرمودند که از طریق تلویزیون و رسانه‌ها نسخه‌ها را همین جا بفروشند، این خیلی خوب است اما واقعاً تا این فرهنگ بخواهد جا بیفتد که مسائل فرهنگی درازمدت است و تأثیرات آن هم درازمدت است، چقدر طول می‌کشد به چه بهایی؟ من یک مثال می‌زنم خود رئیس ایران خودرو اعلام کرده که قیمت پیکان برای دولت ۱/۵ میلیون است، می‌فروشند شش میلیون، هیچ ماشین خارجی هم بدون گمرکی وارد نمی‌شود، خوب علت آن چیست؟ استدلال آنها هم این است که اگر ماشین خارجی را وارد کنیم، تولید کننده داخلی ورشکست می‌شود. البته من به این استدلال که پذیرفته شده هست یا نه، کاری ندارم، اما بحث این است اگر من زمانی بتوانم ماشین ایرانی را طوری با کیفیت تولید کنم که از جهت قیمت و کیفیت با ماشین خارجی رقابت کند، قطعاً همه مشکلات حل خواهد شد، مرز را هم باز بگذارید دیگر نمی‌خواهد گمرک، این همه مالیاتهای سنگین بگیرد. بحث نسخه همین است، اگر ما از حیث بودجه و کارشناسی و از حیث جا افتادن این قضیه در فرهنگ مردمان این را جا انداختیم، که شما اصلاً مرزها را هم باز بگذارید هر که می‌خواهد نسخه ببرد می‌تواند، هیچ شخصی حاضر نیست که نسخه‌ای را که در تهران بهتر از لندن

می‌خرند به لندن ببرد، همین جا می‌فروشند. این مسئله است اما اگر بخواهیم این فرهنگ را جا بیندازیم سالها طول می‌کشد.

* **اسفندیاری:** اینکه خارج نشود و منع قانونی داشته باشد و حتی تشدید مجازات کسانی که نسخه‌ها را به خارج از کشور می‌برند، محل اختلاف نیست. خارج از کشور نباید برود چون هر کس که یک نسخه دارد یک اعتباری از فرهنگ ایرانی و اسلامی دارد و به تنهایی مالک آن نیست. ما تنها روی فرهنگ سازی و ساختن افکار عمومی تکیه نمی‌کنیم تکیه این است که گفت «ز تعارف کم کن و بر مبلغ افزا» باید دولت دست در جیبش بگذارد و برود و در بازار بخرد و کسانی که نسخه دارند و احیاناً هم می‌فروشند از آنها به قیمت خوب بخرد که آنها به خارج از کشور نبرند اما الزام و اجباری نکند که شما باید به من بفروشید.

* **افکاری:** متشکرم اگر آقای جعفری مذهب صحبتی دارند بفرمایند.

* **جعفری مذهب:** در ابتدا بگویم که من خودم کارمند کتابخانه ملی و به مدت سه سال هم مسئول واحد تهیه نسخ خطی هستم و مدخل ورود این مواد به کتابخانه ملی، خودم هستم و از مخالفین این طرح! حال آن که ظاهراً نباید این اتفاق بیفتد. به گمان من مهمترین کاری که در این سه سال به انجام رسیده است، مسکوت گذاشتن و رو نکردن این طرح بود. چون این طرح اعتماد را از بین برد. سازمانهای دولتی ما در عرض ۲۰ سال گذشته خلافهای زیادی کردند و اعتماد را به شدت از بین بردند. نمونه آن کتابخانه مجلس و مرکزی دانشگاه و کتابخانه ملی ما مجموعه‌هایی را برای بخش مبادلات فرستادیم که خارج کنیم که مهر اهدای شخصی روی آن بوده است. یا در فلان کتابخانه، کسی که کتابهای خودش را پنجاه سال پیش اهدا کرده بود و اسمش را با یک لوح برنزی چسبانده بودند، فلان السلطنه، شما برداشتید اسم ایشان را کنید! من بطور به شما اطمینان کنم، مجموعه‌های را از بین بردند، من فقط به اعتماد، اعتقاد دارم و به چیز دیگری اعتقاد ندارم. نمونه شخصی خودم را بگویم، خودم مجموعه دارم، مجموعه من هم نسخه خطی و اسناد نیست، من سکه جمع می‌کنم. مقاله‌ای در مورد سکه در مجله باستان شناسی و تاریخ منتشر شده که مؤلف و مصحح آن مقاله گفته بودند از این گونه سکه‌ها در دنیا چهاردانه بیشتر نیست. درست یا غلط آن را کاری نداریم. بنده در زیر مقاله افزودم که من یک دانه دارم. من از معدود کسانی هستم که بعد از انقلاب با شجاعت آمدم گفتیم که از این سکه من هم یک عدد دارم. به گونه‌ای که وقتی من این سکه را چاپ کردم عبدالله قوچانی که بهترین سکه شناس میراث فرهنگی این کشور است، نزد من آمد این سکه را از من گرفت عکس آنرا گرفت و من به راحتی سکه را در اختیار ایشان قرار دادم تا از آن عکس بگیرند، مشکلی هم نداشتیم و بدین صورت چاپ کرد که براساس سکه‌های موزه ملی بعد از دوره مغول فقط یک نمونه از این سکه در ایران چاپ شده و آن هم متعلق به آقای جعفری مذهب است. من خود را در معرض این کار قرار می‌دهم و صدها نفر بعد از آن به من گفتند که آقای جعفری دیگران جویای بقیه سکه‌ها نشدند؟ گفتیم: نه، اگر بخواهم اعتماد درست کنم مجبورم در مواقعی که خودم چیزی دارم، عرضه کنم

تا بعد بگویم نه این طور نیست، دو سال گذشته با آقای کاشانی به مشهد رفتیم، به خاطر بحران آسیای مرکزی و افغانستان بلکه بعداً عراق، نسخه‌های زیادی وارد ایران شد، ما به مشهد رفتیم تا از چند نسخه دیدن کنیم. فکر می‌کنید در مشهد چه کسی این نسخه‌ها را می‌خرد؟ آستان قدس نمی‌خرد! می‌گفت شما باید آن را وقف امام رضا کنید. یک اماراتی و یک کنسولگری پاکستان در مشهد آنها را می‌خرند و از طریق پاکستان آنها را به امارات می‌فرستند. من هم به عنوان کارمند دولت نمی‌توانم از دولت یک میلیارد پول بگیرم و بگویم حال که به مشهد می‌روم، نسخه‌هایی که از افغانستان یا از پاکستان دزدیده شده و میراث فرهنگی، میراث مشترک اسلامی و ایرانی ماست را می‌خرم. اکثر آنها هم به زبان فارسی است. ما که نمی‌توانیم بخریم، آستان قدس که آنجا وظیفه دارد، ادعاهایی دارد، فکر می‌کند که همه وظیفه دارند به آن کمک کنند، نه اصلاً هم این خبرها نیست، آستان قدس هم باید بخرد پول هم که الحمدالله کم ندارد. ما هم در کتابخانه ملی پول کم نداریم. در سه سال گذشته بنده سعی کردم میزان اطلاعاتی را که از فروشنده می‌گیرم به حداقل برسانم. چون چند فروشنده، نسخه خطی را به ما دادند و بعداً مراجعه نکردند و ما شماره تلفنی از آنها نداشتیم و نتوانستیم به آنها چک را برسانیم، مجبور شدیم پس از آن فقط یک شماره تلفن از مشتری بگیریم و اسم کوچک آنها را جهت صدور چک دولتی که به نام شخصی شما صادر می‌شود، می‌پرسیدیم. حتی اگر اسم مستعار را به ما می‌داد، ما نگران نبودیم، ولی چک را به نام همان مستعار صادر می‌کردیم، او نیز حواله رسید را که باید امضا کند فتوکپی شناسنامه‌اش باید همراهشان باشد. من سعی کردم از مشتری حتی اگر اطمینان نداشت که نسخه‌اش را به ما بدهد تا نوبت بگذاریم، برای اینکه اعتمادش را جلب کنیم، به او گفتیم: ما اسم شما را در نوبت می‌نویسیم، برای مثال روز شنبه چهار هفته بعد که نوبت شما می‌شود ساعت ۹، جلسه خرید داریم شما سر ساعت ۸/۵ کتابتان را بیاورید، نیم ساعت بعد بگیرد و ببرد. اگر فکر می‌کنید که ما کپی یا مصادره می‌کنیم یا به جایی منتقل می‌کنیم باید همه این دغدغه‌ها را از او سلب کنیم.

علاوه بر این مساله، ما دو مشکل دیگر داریم یکی قیمت گذاری است، که خیلی پائین است. ولی باز هم باید حق بدهیم. کارشناسی را به جلسه دعوت می‌کنیم، مگر حق جلسه او چقدر می‌شود؟ شخصی که اکثر شما او را می‌شناسید و مغازه دار است، در دو ساعتی که به کتابخانه ملی برای جلسه بیاید و وقت خود را تلف کند تا ما ۴ نسخه از ایشان بخریم، که در آخر به ۵۰۰/۰۰۰ تومان نمی‌رسد؛ اگر در مغازه‌اش بنشینند و یک نسخه خوب را ۲/۰۰۰/۰۰۰ تومان بخرد و از مرز هم خارج نکند و به مشتریان داخلی بتواند ۴/۰۰۰/۰۰۰ تومان هم بفروشد، به میزان پنجاه جلسه‌ای که ما می‌خواهیم به او حق الزحمه بدهیم درآمد دارد. اگر نسخه‌ای در مغازه‌اش رسید فکر میراث ملی باشد که مثلاً من آن نسخه دو میلیونی را که برابرم آوردند به کتابخانه ملی دو میلیون ونیم تومان بفروشم، خود ایشان می‌تواند ۳/۵ تا ۴ میلیون بفروشد. سیستم قیمت گذاری ما ضعیف است، سیستم پرداخت کارشناسی ما ضعیف است، اعتماد مردم را از بین بردیم و ببخشید جناب آقای امیرخانی

رئیس ما در کتابخانه ملی هستند، بنده هم کارمند این بخش هستم، ولی فکر می‌کنم که این طرح فقط اعتماد را می‌شکند. اصلاین طرح را مسکوت می‌گذاشتیم و مطرح نمی‌کردیم و این جلسات نیز برگزار نمی‌شد، به گمان من خیلی بهتر بود. مسئله دیگر این که به گمان من، این کار چاره کوتاه مدت دارد. استادان من جناب آقایان منزوی و انوار و سبحانی بفرمایند. اگر به نظر شما خلاف این هست خواهش می‌کنم بفرمائید. به گمان من این مشکل، مشکل کوتاه مدت است.

نسخه‌هایی که هزار سال در کتابخانه‌ها و مساجد و مدارس در زیرزمین و بقچه‌ها جمع شده در عرض پنجاه سال گذشته یا جذب کتابخانه‌های دولتی شده یا بهترینهای آن از کشور خارج شده اگر ما ۵ سال خوب بخریم به شما تضمین می‌دهم که دیگر نسخه خطی نداریم، نسخه خطی به آخرش رسیده است. سازمان اسناد ملی ادعا می‌کند چیزی حدود چهار صد میلیون سند را شناسایی کرده، سازمان اسناد ملی تقریباً بایگانی را که همه وزارتخانه‌ها در همه شهرستانها را تقریباً جمع کرده یعنی به سندهای آن تقریباً اضافه نمی‌شود، یعنی موقعی قانون می‌گذاریم که همه را جمع کنیم، همه را هم تقریباً جمع کرده ایم. چند تا خانواده هستند که هنوز کتاب دارند. اینها را هم به صورت خیلی عادی به آنها اعتماد بدهیم که شما موزه خصوصی یا کتابخانه خصوصی داشته باشید، فهرست را منتشر کنید ما هم مزاحم نمی‌شویم، خودشان



جعفری مذهب:

نسخه‌هایی که هزار سال در کتابخانه‌ها و مساجد و مدارس در زیرزمین و بقچه‌ها جمع شده در عرض پنجاه سال گذشته یا جذب کتابخانه‌های دولتی شده یا بهترینهای آن از کشور خارج شده اگر ما ۵ سال خوب بخریم به شما تضمین می‌دهم که دیگر نسخه خطی نداریم، نسخه خطی به آخرش رسیده است

کتابخانه داشته باشند ما هم کمکشان می‌کنیم. همین طور اقدامات تشویقی که فرمودند. آفت زدایی، میکروفیلم و صندوق امانات برایشان تهیه می‌کنیم، تا در آن صندوق امانات نگه دارند و زمانی که نیاز دارند بردارند. ما اگر بخواهیم این کار را انجام دهیم، فکر کنم کار ۵ سال است. در این ۵ سال هر چیزی را جمع کردیم، دلال هم تا به حال تمامی نسخه‌های خوب را برده است، نسخه قرن ۵ و ۶ و ۷ و ۸ در کشور پیدا نمی‌شود و اگر باشد به گمان من به ۱۰۰ تا نمی‌رسد. آن نسخه‌هایی که در مساجد و مدارس شهرستانهای قدیمی هست نسخه‌های فقهی هست و همه آنها متعلق به ۲۰۰ سال اخیر است.

نه عربها، آمریکائیها و نه اماراتی‌ها فقه شیعی می‌خرند نه انگلیسی‌ها و نه کویتی‌ها این فقه شیعه را خریداری می‌کنند و در آخر پیش خودمان برمی‌گردد و به غیر از این کشور کسی نمی‌خرد، من نگران خارج شدن آن نیستم اما امیدوارم که همه آنها را نگه داریم، اینها را در عرض ۵ سال با یک بودجه سنگین و ضمن اینکه این ترسها را از

روی دشمنان برداریم. ما تازه اعتماد آقای افشار را بدست آورده ایم. آقای افشار برای ما مدخل ورود نسخه های نفیس به این کشور است. آن کسانی که گنجینه دارند ایشان را می شناسند، ما اگر در اینجا ۴ میلیون هم ضرر دهیم، اشکال ندارد، کسانی که به اعتماد آقای افشار برای ما می آورند باز هم این کار را انجام می دهند. به گمان من تنها راهکار، جلب اعتماد است و عکس العمل های قبلی خودمان را باید پاک کنیم.

*** افکاری:** با تشکر از آقای جعفری مذهب، در مورد تایید فرمایش شما باید عرض کنم که مقومین کتابخانه دانشگاه حتی یک ریال برای تقویم نسخه ها حق الزحمه دریافت نمی کنند.

*** انوار:** باید دقت زیادی در مورد کیفیت نسخه های خطی داشته باشیم. ممکن است نسخه های خوبی نباشد و باید در مورد کیفیت دقت کنید و مراقب باشید که قیمت بازار را بهم نزنید، چون ممکن است که هر کس نسخه خطی قالبی هم داشته باشد، ادعا کند. من شاهد بودم، کسی یک جلد کتاب خطی جواهرالکلام داشت، به او گفتم که یک جلد آن به کار نمی آید و تازه چاپ شده و نسبتاً بی غلط نیز می باشد، چون چاپ عبدالرحیم است. در این جا باید متوجه بازار هم باشید که به نام نسخه خطی، قیمتها بالا نرود. مسئله دیگر این که کتابخانه ملی سالنی را که به نام دکتر بیانی، پایه گذاری شده بود، لوح آن را در آوردند. آیا این

حائری:

من نیز از مخالفین این طرح هستم و بسیار معترض! و بسیار تعجب می کنم که کسانی دیده می شوند که خادم دنیای کتاب و فرهنگ هستند در صحت چنین طرحی تأکید دارند و حق حضور در خانه ها و محدود کردن حق خرید و فروش و اجباری که حتماً در کتابخانه خاصی بفرشند، این درست نیست و همان چیزی می شود که موجب می شود تا مردم تسلیم قانون نشوند



تشویقی است برای کسی که این کتابخانه را ایجاد کرده بود؟ شما ۲۵۰۰ نسخه خطی از کتابخانه سلطنتی پهلوی دارید این کتابخانه را فقط آقای بیانی توانست به آنجا بیاورد. شما اولین چاپهای نسخ سنگی را دارید. در سال ۱۲۳۳ عباس میرزا، اسد آقا را به مسکو فرستاد که چاپ شود، پس اولین چاپ ما در ۱۲۳۳ بود، در سال بعد فتحعلیشاه، زین العابدین را فرستاد و هر کدام از آنها موقع برگشت به تهران یک دستگاه چاپ با خودشان آوردند و چاپهای اول همه سربی بود که این را هیچ جایی غیر از کتابخانه ملی نداشت و ما در یک ریل بوک فهرستش را به کتابهای نادر چاپ کردیم و خانمی که قرار بود آن را چاپ کند بازنشست شد. ولی متوجه باشید این نسخ شما از هر نسخه خطی ارزشش بیشتر است. یکی از آنها رساله جهادیه است و دوباره هم چاپ شد. اما قبل از آن هم یکی دیگر بود. ما ۱۲ جلد چاپ سربی داشتیم که یکی در مورد آبله بود که بقدری خوب چاپ شده بود که بی غلط بود.

ولی بعد از آن متأسفانه نتوانستند غلطهای چاپی را بگیرند و بعد چاپها سنگین شد. در آن زمان ما به مدیر کل پیشنهاد دادیم که نسخه های خطی و درجه یک را در قفسه های آهنی بگذارند و زیر نظر خودشان بود و آقای جعفری درست می فرمایند اعتماد را جلب کنید این موضوع خیلی مهمی است.

*** افکاری:** استاد متشکرم، از توضیحات و اهمیت نسخه های چاپ سنگی که فرمودید. قطعاً بزرگترین سرمایه کتابخانه ها اعتماد فروشندگان و مردم است که به آنجا رجوع می کنند و بزرگترین تبلیغ، تبلیغی است که فروشندگان درباره کتابخانه ها به دیگران خواهند داشت.

*** انوار:** نکته مهم دیگر که باید به آن توجه داشت جابجایی کتابدارها بسیار کار غلطی است. من شنیدم بعد از سال ۵۷، در کتابخانه ملی بیست رئیس عوض شده و این اشتباه است چون او می داند کدام کتاب در کدام قفسه است و باید کتاب را بشناسد تا درست عمل کند و ما در حوزه نسخ خطی کتابدار قابل، کم داریم.

*** افکاری:** در ادامه به علت اینکه استاد حائری به دلیل تشکیل جلسه تقویم نسخ خطی نتوانستند تشریف بیاورند آقای شکرالهی از همکاران ما در کتابخانه مجلس، لطف کرده و صحبت های استاد را ضبط کردند و به مجلس آوردند. ضمن تشکر از ایشان به صحبت های استاد گوش می دهیم.

*** حائری:** با تشکر از دعوت شما، در مورد این طرح، همان طور که قبلاً عرض کردم از نظر مسائل اجتماعی ما، مسئله واضح تر از این است که قابل بحث باشد. وقتی قانونی به عنوان طرح ثبت و تملک وضع می شود و به خصوص صحبت از مصادره کوتاه و بلند به میان بیاید، مردم به حد کافی از این طرح می هراسند و مسائل ناراحت کننده ای ممکن است بوجود بیاید. به هر حال این طرح مطابق روحیه اجتماع ما نیست و برای جامعه ما کارساز نخواهد بود. حتی اگر مقصود صحیحی هم در پشت این طرح باشد، نتایج خوبی در بر ندارد. به نظر من این قدر واضح است که قابل طرح نیست. اما در مورد این ماده، به نظر می رسد که آن را به صورت معما گونه مطرح کردند. گمان می رود که در ذهن طرح نیت دیگری بوده که به درستی نتوانستند آن را بیان کنند و به صورت معما از کار درآمده است. پاسخ این سؤال چیست؟ ثبت کتابخانه ملی و تملک مردم؟ یا ثبت کتابخانه ملی و تملک کتابخانه ملی؟ طرح مسئله قیمت و پرداخت آن به صاحبان کتابها، این سؤال برای هر کسی که آن را می شنود پیش می آید، ثبت و تملک چه کسی؟ اگر تملک صاحبان آنان است که در تملک آنان می باشد نخست ثبت است و سپس تملک و یا بالعکس؟ و فاعل این دو فعل چیست؟ در حالی که این تملک منتقل می شود و هیچ بحثی در این مورد نشده است. یعنی قهراً کتابها ثبت می شود و به تملک کتابخانه درمی آید! آیا چنین مطلوبی است یا مقصود دیگری است؟ معمایی است که مقصود را نمی رساند و اما در مورد مسئله مصادره، وقتی که مصادره کوتاه مدت و یا بلند مدت شد، کتابها خود به خود در تملک کتابخانه ملی درمی آید، یعنی کتابها در کتابخانه ملی ماندنی می شود. این دستور برای کیست؟ چه کسی

مصادره و چه کسی کتابها را منتقل می‌کند؟ مصادره کننده دستگاه قضایی است و کتابخانه ملی آن را منتقل می‌کند، مأمور اجرای این قانون کیست؟ وقتی که دستگاه قضایی کتاب را مصادره کرد، صاحبان کتاب باید خود کتابها را تحویل کتابخانه ملی دهند؟ چه چیزی را باید تحویل دهند؟ وقتی که مصادره کردند در اختیار دستگاه قضا می‌باشد. به نظر من این طرح معما گونه‌ای است که به نظر می‌رسد چون نتوانسته‌اند مقاصد خود را روشن بیان کنند به صورت معما گونه درآمده است. وگرنه می‌توانستند به جای کلمه ثبت، فهرست را بگذارند و مسئله تا حدود زیادی حل می‌شد و یا اینگونه اعلام کنند که ما خواهشمندیم از کسانی که کتابی در خانه‌اش دارد صورت آن را به ما بدهد، تا ما در خانه ایشان کتابها را فهرست کنیم و در همان مکان مهر «بازدید شد» کتابخانه ملی را در کتابها بزنیم و این کتاب در فهرست کتابخانه ملی دیده شده و مالک حق فروش به کس دیگری را ندارد و هر زمانی قصد فروش داشتند به کتابخانه ملی بفروشند. به جای این که کلمه ثبت روی آن بگذارند بهتر است به منزل آنان بروند و کتابها را فهرست کنند. مانند قبل مراجعه به کتابخانه شخصی در منزل کنند و از کسانی که دارای کتابخانه شخصی هستند بخواهیم که در این کار آماده شوند و به آن جا بروند و کتابها را فهرست کنند. به جای کلمه فهرست کلمه ثبت را به کار بردند. با ذیل تملک که بسیار نامفهوم و پرشبهه است. من نیز از مخالفین این طرح هستم و بسیار معترض! و بسیار تعجب می‌کنم که کسانی دیده می‌شوند که خادم دنیای کتاب و فرهنگ هستند در صحت چنین طرحی تأکید دارند و حق حضور در خانه‌ها و محدود کردن حق خرید و فروش و اجباری که حتماً در کتابخانه خاصی بفروشند، این درست نیست و همان چیزی می‌شود که موجب می‌شود تا مردم تسلیم قانون نشوند. اینها مسائلی است که استدلال لازم را ندارد، و از چیزهای ضروری اجتماع است، و من فکر می‌کنم بهتر است کتابخانه ملی که دارای امکانات زیاد و کارشناسان و کارکنان با همت و خدمتگزاران فرهنگ و کتاب است به دو کار مهم اقدام کنند: یکی ترتیبی داده شود که دولت جداً از خروج کتاب خطی جلوگیری کند، این مسئله خیلی مهم است. برای علاقه‌مندان به کتاب درد بزرگی است که کتاب خطی از کشور خارج شود. حال به هر صورتی با اطلاع و یا بدون اطلاع دولت، به هر حال جلوی این کار واقعاً گرفته شود. مطلب دیگر که خیلی مهم است و از والاهمتان کشور ساخته است تأسیس یک معهد المخطوطات و مصورات کتابهای خطی است. تمام همت آن باشد که از تمام دنیا که کتاب خطی هست، آمریکا، انگلستان، ترکیه و... ترتیبی دهیم که اگر کتاب خطی که اصلشان فعلاً در ایران نیست، فیلم آن را به ایران بیاوریم، بیش از یک میلیون کتاب خطی راکه در جهان وجود دارد در یک جا جمع‌آوری کنیم و این خود خدمت بزرگی به کتابهای خطی و میراث عظیم ایران است.

*** افکاری:** استاد حائری به چند نکته اشاره فرمودند عبارت معماگونه را در ابهاماتی از مواد طرح اشاره فرمودند به خصوص ابهام در ثبت و تملک که بحث شد. اشاره استاد به شناسایی و فهرست بسیار

مهم بود که پیشنهاد فرموده بودند کارشناسانی برای شناسایی این نسخ، اعلام آمادگی کنند و کسانی که علاقه‌مند هستند، کتابهایشان را به کتابخانه بیاورند یا کارشناسانی اعزام شوند برای شناسایی آن مجموعه و به شناخت آن مجموعه کمک کنند و همچنین تأسیس مرکزی برای گردآوری و جمع‌آوری نسخ یا حداقل تهیه میکرو فیلم از نسخه‌های خارج از کشور که پیشنهاد بسیار ارزشمند و قابل توجهی است و در پایان از استاد منزوی اگر فرمایشی در این ارتباط و پیشنهاد عملی و کار بردی با توجه به تجربه ایشان در تهیه و گردآوری و فهرست نویسی نسخه‌های خطی دارند بفرمایند.

*** منزوی:** جمع‌آوری و فرستادن کسانی برای شناختن نسخه‌های خطی در کتابخانه‌ها و فهرست نویسی کار درستی است اما آنها احتیاج به چیزهایی دارند که ما آن را نداریم، متأسفانه توجه به فرهنگ ایرانی نمی‌شود. در رم، واتیکان فهرست می‌کنند، فیلمها را می‌آورند، بعد در مقدمه می‌نویسند که در آن جا کتابهای فارسی و عربی هر دو بود و ما این کتابهای عربی را فیلم کردیم و نسخه‌های آن را معرفی می‌کنیم، این ظلمی به فرهنگ و کشور ماست. حرفهای بزرگ تمدن بشری را برای موقعی بگذاریم که کارهای خود را انجام داده‌ایم، خانه‌ایی که تاریک است چراغ به مسجد حرام است.



منزوی:
جمع‌آوری و فرستادن
کسانی برای شناختن
نسخه‌های خطی در کتابخانه
ها و فهرست نویسی کار
درستی است اما آنها احتیاج
به چیزهایی دارند که ما آن را
نداریم، متأسفانه توجه به
فرهنگ ایرانی نمی‌شود

*** افکاری:** در واقع اولویت نظر جناب عالی بر فهرست‌نویسی نسخه‌های فارسی است و تهیه فیلم از آنها است. سپس نسخ عربی و ترکی و... با تشکر از شما. با تشکر از همه اساتید بزرگواری که در این جلسه حضور داشته و بحث و اظهار نظر کردند و ما را در تهیه نظرات مختلف اعم از مخالف و موافق یاری فرمودند. امیدواریم که قصد خیر بانین اجرای این طرح در تکمیل و اصلاح آن ادامه پیدا کند، نهایتاً جمع‌بندی که از نظر اساتید محترم گذشت به این ترتیب بود که اشکالاتی بر طرح وارد بود، مواردی را بررسی کردند. مواردی کاملاً رد شد، مواردی اصلاح و پیشنهادات بیان شد. ظاهراً متفق القول هستند که بهتر است در جهت پیشنهادات و راه‌کردهای اجرایی و تشویقی و ایجاد بستر فرهنگی و اعتمادسازی فرهنگی هر چه بیشتر در این زمینه کار شود و بودجه جداگانه‌ای برای خرید نسخه‌های خطی در کتابخانه‌ها به ویژه در کتابخانه ملی به عنوان کتابخانه مادر اختصاص داده شود.

مجموعه‌هایی که می‌توانند خرید کنند کتابخانه‌ها در جریان بگذارند و در واقع این تبادل اطلاعات در زمینه خریداری کتابخانه‌ها و اطلاعات بین کتابخانه‌ای وجود داشته باشد و همچنین ضمانت اجرایی که باید داشته باشد حمایت کتابخانه‌ها با اختصاص بودجه لازم برای خرید این کتب هست و طبیعتاً پیشنهادات دیگری که ان شاء الله بتوانیم در قالب طرحی قابل اجرا از سوی هر کتابخانه و از سوی کارشناسان آن کتابخانه بررسی شود و در صورت تجدید چنین پیشنهادهایی حتماً نظر کارشناسی که می‌تواند در همین جمع‌های صمیمانه قبلاً اجرا شود و بعداً ان شاء الله به شکل طرح‌های پیشرفته‌تر و کارشناسی شده‌تری بتواند قابل اجرا باشد. با تشکر از همه اساتید محترم.

آقای دکتر کیانوش کیانی، ریاست محترم پژوهشکده اسناد کتابخانه ملی نیز میهمان نشست کتاب ماه بودند، از آنجا که ایشان نتوانستند در این جلسه حاضر شوند، نظرات خود را در موضوع مورد بحث مکتوب فرموده و جهت انعکاس در جلسه، ارسال داشتند، کتاب ماه کلیات ضمن تشکر از لطف و همکاری ایشان در پاسخ به معرفی سرفصلها از بحث نقد و بررسی طرح تملک نسخ خطی، نظرات ایشان را عیناً بیان می‌دارد.

شاخص‌های شناسایی آثار مکتوب ملی (کتاب و اسناد خطی و نادر) چیست؟

* **آقای دکتر کیانی** : کامل بودن، توان دسترسی، بسامد استفاده از سند، نوع و کیفیت استفاده از سند، رابطه سند با سایر اسناد، اهمیت فیزیکی سند و مندرجات غیر نوشتاری آن (نوع خط، نوع کاغذ، تذهیب، تشعیر، مهر و...) و ارزشهای ثانوی موجود در سند (شامل ارزشهای ذاتی، تاریخی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، مالی، قانونی، اداری، پژوهشی، و...) (تعلق مادی و معنوی اثر به یک دوره برجسته تاریخی، یک واقعه ملی یا شخصیت‌هایی که به نوعی منشأ اثر در نظام اداری، حکومتی، سیاست خارجی، تحولات اجتماعی و فرهنگی و هنری بوده و یا در جریان برقراری نظامات و ارتباطات حکومتی در داخل و یا در سطح بین‌الملل منشأ اثر بوده است. همچنین بی نظیری و یا دست کم نسخ بسیار محدود اثر از جنبه‌های هنری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به گونه‌ای که با از بین رفتن تمام یا بخشی از اثر امکان بازیابی اطلاعات مندرج در آن و یا بازیابی نمونه‌های ثانویه آن وجود نداشته باشد. برابر ماده اول قانون «حفظ آثار ملی» مصوب ۱۳۰۹/۸/۱۲ ش «کلیه آثار صنعتی و ابنیه و اماکن که تا اختتام دوره سلسله زندیه در مملکت ایران، احداث شده اعم از منقول و غیر منقول، جزو آثار ملی ایران محسوب می‌شود و در تحت حفاظت و نظارت دولت می‌باشد». با توجه به اینکه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، طرح بازیابی مفاد این قانون را در دستور کار خود قرار داده است لازم است قبل از هر چیز، تاریخ

انتهایی تعیین شده در تعریف «آثار ملی» مورد تجدید نظر قرار گیرد چرا که هر گونه آثار منقول و غیر منقول متعلق به بعد از دوره زندیه را در بر نمی‌گیرد! و هم اکنون قریب به سه ربع قرن از تاریخ تصویب این قانون می‌گذرد و کشور ایران پس از زندیه، مقاطع تاریخی دو سلسله حکومتی قاجار و پهلوی را پشت سر گذارده است. از این رو حق آن است که در این بازیابی، ابتدا عبارت «تا اختتام دوره سلسله زندیه» به «اختتام دوره پهلوی» اصلاح گردد. اما اینکه آثار ملی در این قانون، کلیه آثار منقول و غیر منقول را پوشش می‌دهد نقطه قوتی برای صیانت از آثار مکتوب ملی اعم از نسخه‌های ارزشمند خطی و اسناد تاریخی آرشیوی است و می‌تواند پشتوانه محکمی برای حفظ آنها و جلوگیری از آسیبها و خطراتی باشد که این آثار را تهدید می‌نماید. اصلاح تاریخ زمانی اشاره شده در این قانون، خود یکی از شاخص‌های شناسایی این آثار می‌باشد. بر این اساس در سطح گسترده و وسیع، هر گونه اسناد و آرشیوی و نسخه خطی از مصنفات و مؤلفات بزرگان علم و اندیشه تا پایان قاجاریه، میراث فرهنگی ملی محسوب می‌شود. در اینجا تکیه بر نادر بودن و یا حتی تکراری



نبودن نسخه‌های خطی ولو با فرض کاتب و محرر واحد، نایستی مد نظر قرار گیرد همانگونه که در همه دنیا اینگونه عمل می‌شود. در واقع کلیه موسسات و مراکز دولتی و خصوصی کشور که به خصوص در دهه‌های اخیر اقدام به خرید کتابخانه‌های شخصی بزرگان و مرمت و تجلید برگه‌های بر جای مانده از نسخه‌های خطی تحت تملک آنان می‌نمایند و در نهایت به تدوین و طبع فهرست نسخه‌های خطی جمع آوری شده، مبادرت می‌ورزند، سنت حسنه‌ای را در راستای این قانون، معمول و مرعی داشته‌اند و البته مطلوب آنست که شناسنامه کل این آثار چه به لحاظ توصیفی و چه به لحاظ موضوعی در محل واحدی ثبت گردد. اگر چه جایگاه نسخه‌های خطی در کشور و قدر و منزلت این آثار به نسبت گذشته این مرز و بوم، در خور توجه است ولی در اصلاح قانون مزبور باید تمهیداتی اندیشیده شده تا احاد مردم را بدین باور رساند که اگر بخشی از صفحات حتی یک نسخه خطی قدیمی را از طریق نیاکان خود، در منزل موجود دارند، به راحتی آنرا راهی وادی عدم ننمایند. یا خود به مرمت و

هر گونه اسناد و آرشیوی و نسخه خطی از مصنفات و مؤلفات بزرگان علم و اندیشه تا پایان قاجاریه، میراث فرهنگی ملی محسوب می شود. در اینجا تکیه بر نادر بودن و یا حتی تکراری نبودن نسخه های خطی ولو با فرض کاتب و محرر واحد، نبایستی مد نظر قرار گیرد

آن است که اطلاعات کتاب شناختی و محتوایی همه آنچه در کتابخانه های حوزه های علمی و کتابخانه های عمومی و مراکز دانشگاهی و حتی کتابخانه های شخصی بزرگان وجود دارد، در مرکز واحد ثبت و ضبط گردد.

در مسیر تحقق این ایده، لازم است فرهنگ فهرست نویسی نسخه های خطی کتابخانه های شخصی که در دهه های اخیر در کشورمان رواج رضایتمندی یافته، تقویت گردد و کمک های لازم برای نگارش و بویژه چاپ و انتشار آنها در نظر گرفته شود. ثبت این گونه آثار با این شیوه معنا می یابد و ضمناً و تقید به حفظ و ثبت نسخه های خطی نادر، دور از جامع نگری و اندیشه ملی است. مطلوب آنست که همه این آثار مخطوط، یکجا صاحب شناسنامه باشند و به جملگی، نگاه ملی افکنده شود.

بهترین پیشنهاد و الگو برای تشویق مردم برای معرفی، مرمت و ثبت و نگهداری آثار در اختیار ایشان چیست؟

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به موجب قانون، متولی و مسئول شناسایی و ثبت و نگهداری آثار مکتوب ملی می باشد و مقتضی است تمهیدات لازم برای واگذاری کلیه اسناد و مدارک به این سازمان بکار گرفته شود و در مواردی که به هر دلیل امکان واگذاری وجود ندارد، اطلاعات اسناد و مدارک در دفاتر ثبت این سازمان، فهرستگان و سیستم اطلاع رسانی رایانه ای سازمان مزبور ثبت گردد.

وظیفه رسانه های ارتباط جمعی در این زمینه بسیار خطیر و مهم می باشد. رسانه ها بایستی به عنوان وظیفه ملی و فرهنگی خود، جایگاه و اهمیت سازمان اسناد و کتابخانه ملی و نیز اهمیت و ضرورت حفاظت از آثار مکتوب ملی را در جامعه تبیین نماید. علاوه بر آن تقدیر از اهداگران اسناد و نسخ خطی، برقراری امکانات مادی برای خریداری مجموعه هایی که صاحبان آنها به هر دلیل تمایل به فروش آنها دارند و جلوگیری از خروج آنها از کشور، ایجاد صندوق های امانات استاندارد در سازمان و کتابخانه ملی، و تولید و پخش برنامه هایی در جهت معرفی عوامل مخرب اسناد از طریق رسانه های ارتباط جمعی بویژه صدا و سیما در این زمینه مؤثر خواهد بود.

تجدید آن اهتمام ورزند و یا به مراکز خریداری و گردآوری این آثار، تحویل و یا هدیه نماید. از آنجایی که پاره ای از مکتوبات موجود در خانه ها، ذیل عنوان نامه نگاری های شخصی و خصوصی قرار می گیرند و نه میراث ملی، لازم است در شاخص های شناسایی آثار مکتوب ملی این نکته مد نظر قرار داده شود و در متن قانون، مشخصاً مورد تأکید واقع گردد. البته اسناد ملی تنها اسنادی نیست که حیطه موضوعات آن کلان کشور را در بر گیرد بلکه همه اسنادی که به نحوی با زندگی اجتماعی مردم و اداره امور آنان در ایالات و ولایات پیوند داشته، در این قلمرو جای دارند، البته اسناد شخصی مربوط به شخصیتها نیز جزو این آثار قلمداد می شوند. در خصوص نسخه های خطی چنانکه اشاره شد، تأکید بر نادر بودن آنها، زمینه ساز بی توجهی به آثاری است که از تعدد نسخ برخوردارند و این شاخص مطلوبی نیست. همانگونه که اگر دو بنای تاریخی در دوشهر با اسلوب و سبک معماری واحد و توسط معماری واحد احداث شده باشد، هیچیک از شمول آثار ملی خارج نمی گردد.

روشهای ثبت آثار مکتوب ملی کدام است؟

معمولاً از طریق تهیه و تنظیم فهرست های کامل از آثار و ثبت آن در دفاتر مخصوص و تخصیص شماره سریال و کد ملی برای کلیه آثار تأیید شده و ثبت اطلاعات و خصوصیات فیزیکی آنها در سیستم متمرکز و قابل دسترسی مراکز فرهنگی انجام می گیرد. به نظر می رسد که امر ثبت آثار مکتوب ملی با ذهنیتی که نسبت به ثبت عمارات و ابنیه باستانی و یا اشیای تاریخی و روال آن وجود دارد، در تفاوت است. با فرض اینکه اسناد موجود در خزانه آرشیو ملی کشور، واجد ارزش نگهداری دائمی اند نمی توان تصور کرد که دسته ای از آنها ملی اند و دسته ای غیر ملی! بنابراین همه آنچه که در آرشیو ملی به عنوان «سند» وجود دارد، همینکه مشخصات فیزیکی و محتوایی آنها در چارچوب فهراس اسنادی، ثبت و ذخیره ماشینی گردید، عمل ثبت اثر نسبت به آنها تحقق یافته است. از آنجایی که کشور ما هم اکنون با تعدد مراکز اسنادی عمده، روبرو است و اسناد واجد ارزش نگهداری دائمی در جاهای مختلف پراکنده، شایسته است با ایجاد شبکه ای ملی اطلاعات اسناد موجود در همه این مراکز، در یک جا منتقل و ذخیره گردد. در خصوص نسخه های خطی نیز شایسته